



چالش‌های اجرای قراردادهای خصوصی در پرتو سیاست جنایی و تحریم‌های بین‌المللی ایران

مهدی شهرکی^{*۱}

نهاد ابراهیم پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۶

چکیده

تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه تحریم‌های مالی، بانکی و تجاری، با ایجاد محدودیت در نقل و انتقال وجوه، دسترسی به خدمات مالی، حمل و نقل، بیمه و مبادلات تجاری، اجرای قراردادهای خصوصی را با چالش‌هایی مواجه کرده‌اند که صرفاً در چارچوب سستی نقض قرارداد قابل تحلیل نیست. در چنین شرایطی، مسئله اساسی آن است که آیا آثار ناشی از تحریم می‌تواند اجرای تعهد قراردادی را به‌عنوان قوه قاهره یا وضعیت تعذر اجرا توجیه کند و در چه مواردی عدم اجرای تعهد همچنان موجب مسئولیت قراردادی خواهد بود. از سوی دیگر، تلاش برای اجرای قراردادهای متأثر از تحریم ممکن است به استفاده از واسطه‌ها، ساختارهای معاملاتی پیچیده یا روش‌های غیرشفاف مالی منجر شود و در مواردی، مرز میان نقض قرارداد، رفتار مشروع برای مقابله با محدودیت‌های خارجی و ارتکاب جرایم اقتصادی را با ابهام مواجه سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع حقوقی و مطالعات داخلی و خارجی، چالش‌های اجرای قراردادهای خصوصی در پرتو تحریم‌های بین‌المللی را با تأکید بر نظام حقوقی ایران و از منظر سیاست جنایی بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: تحریم‌های بین‌المللی، قراردادهای خصوصی، ایران

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بین‌الملل امارات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: mehdishahraki3@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.



تحریم‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر از یک ابزار محدودکننده در روابط میان دولت‌ها فراتر رفته و به عاملی مؤثر بر روابط اقتصادی و معاملاتی اشخاص خصوصی تبدیل شده‌اند. گسترش تحریم‌های مالی، بانکی، تجاری و محدودیت‌های مرتبط با حمل‌ونقل و بیمه موجب شده است که آثار این اقدامات به روابط قراردادی اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی نیز تسری یابد. در چنین وضعیتی، اجرای قرارداد ممکن است نه به دلیل فقدان اراده یا امتناع عمدی متعهد، بلکه در نتیجه موانعی مانند قطع دسترسی به شبکه‌های بانکی، ممنوعیت معامله با اشخاص یا نهادهای تحریم‌شده، محدودیت انتقال وجوه، عدم امکان دریافت خدمات بیمه‌ای و حمل‌ونقل یا تهدید اشخاص ثالث به تحریم‌های ثانویه با دشواری مواجه شود. از این رو، تحریم‌ها می‌توانند در مرحله انعقاد، اجرا و خاتمه قرارداد، آثار مستقیم یا غیرمستقیم بر روابط خصوصی داشته باشند و ارزیابی مسئولیت قراردادی طرفین را با پیچیدگی مواجه سازند.

اهمیت این مسئله در نظام حقوقی ایران از آن جهت دوچندان است که بخش مهمی از روابط تجاری و اقتصادی اشخاص خصوصی در محیطی شکل می‌گیرد که محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، ریسک‌های حقوقی و عملی اجرای تعهدات را افزایش داده است. در این شرایط، طرف قرارداد ممکن است از یک سو بر اصل لزوم قرارداد و الزام متعهد به اجرای تعهدات استناد کند و از سوی دیگر، متعهد با استناد به موانع ناشی از تحریم، عدم امکان یا دشواری اجرای تعهد را مطرح نماید. بنابراین، مسئله اساسی صرفاً این نیست که آیا قرارداد اجرا شده یا خیر؛ بلکه باید مشخص شود که مانع ایجادشده چه ماهیتی دارد، آیا اجرای تعهد واقعاً ناممکن شده یا صرفاً هزینه و دشواری آن افزایش یافته است، آیا مانع قابل پیش‌بینی بوده و آیا متعهد امکان استفاده از راهکارهای جایگزین را داشته است یا خیر. پاسخ به این پرسش‌ها در تعیین آثار حقوقی تحریم بر مسئولیت قراردادی اهمیت بنیادین دارد.

در حقوق قراردادها، اصل بر آن است که قراردادهای معتبر برای طرفین الزام‌آور بوده و متعهد نمی‌تواند صرفاً به دلیل دشوار شدن اجرای تعهد از مسئولیت قراردادی رهایی یابد. با این حال، در مواردی که حادثه‌ای خارج از اراده متعهد، غیرقابل پیش‌بینی و

غیرقابل دفع، اجرای تعهد را به‌طور واقعی ناممکن سازد، مسئله قوه قاهره و آثار رافع مسئولیت آن مطرح می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی از این منظر دارای ماهیتی یکسان نیستند؛ زیرا ممکن است در یک وضعیت، اجرای قرارداد را از نظر حقوقی ممنوع کنند، در وضعیت دیگر تنها انتقال وجوه یا دسترسی به خدمات بانکی را دشوار سازند و در وضعیت سوم، صرفاً هزینه اجرای قرارداد را افزایش دهند. بنابراین، اطلاق عنوان «تحریم» به‌تنهایی برای تعیین اثر حقوقی آن بر قرارداد کافی نیست و ارزیابی حقوقی باید بر مبنای رابطه میان نوع تحریم و امکان واقعی اجرای تعهد صورت گیرد.

پیچیدگی موضوع زمانی افزایش می‌یابد که آثار تحریم از حوزه مسئولیت قراردادی به حوزه سیاست جنایی وارد می‌شود. در شرایط تحریمی، اشخاص خصوصی برای ادامه فعالیت اقتصادی ممکن است از سازوکارهای واسطه‌ای، انتقال‌های غیرمستقیم مالی، شرکت‌های ثالث یا روش‌های جایگزین تجاری استفاده کنند. چنین اقداماتی در صورتی که در چارچوب قوانین و مقررات انجام شود، لزوماً واجد وصف کیفری نیست؛ اما استفاده از اسناد جعلی، معاملات صوری، پنهان‌سازی منشأ وجوه، پول‌شویی یا ارتکاب سایر رفتارهای مجرمانه نمی‌تواند صرفاً با استناد به شرایط تحریمی توجیه شود. از این‌رو، یکی از مسائل مهم این پژوهش، تعیین مرز میان تلاش مشروع برای اجرای قرارداد در شرایط دشوار و رفتارهایی است که به دلیل نقض مقررات کیفری، واجد وصف مجرمانه می‌شوند.

این مسئله با چالش‌های موجود در سیاست جنایی ایران نسبت به جرایم اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. مطالعات داخلی نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران در حوزه جرایم اقتصادی با مشکلاتی همچون فقدان تعریف جامع و منسجم از جرایم اقتصادی، پراکندگی مقررات کیفری، تعدد مراجع قانون‌گذاری، فقدان سیاست جنایی واحد و ابهام در معیارهای تفکیک رفتارهای اقتصادی مجرمانه از سایر تخلفات مواجه است. این وضعیت در حوزه قراردادهای متأثر از تحریم می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند؛ زیرا فقدان مرزبندی روشن میان ناتوانی واقعی از اجرای تعهد، تخلف قراردادی، تخلف اداری و رفتار مجرمانه، زمینه تفسیرهای متفاوت و گاه توسعه ناموجه قلمرو مسئولیت کیفری را فراهم می‌کند. از منظر سیاست جنایی، بنابراین، واکنش حقوقی به قراردادهای



متأثر از تحریم نباید بر مبنای رویکردی صرفاً کیفری و مجازات‌محور شکل گیرد. صرف عدم اجرای قرارداد، مادامی که عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم خاصی تحقق نیافته باشد، اصولاً نمی‌تواند به‌خودی‌خود مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. در مقابل، چنانچه شخص با سوءاستفاده از وضعیت تحریمی به ارتکاب رفتارهایی مانند فریب، جعل، پول‌شویی یا معاملات صوری مبادرت کند، صرف وجود قرارداد خصوصی یا دشواری شرایط اقتصادی نمی‌تواند مانع اعمال پاسخ کیفری شود. بنابراین، سیاست جنایی مطلوب باید بتواند میان «ناتوانی مشروع و غیرقابل انتساب از اجرای تعهد» و «استفاده مجرمانه از وضعیت تحریمی» تفکیک کند. اهمیت این تفکیک از آنجا ناشی می‌شود که توسعه بی‌ضابطه مداخله کیفری می‌تواند امنیت حقوقی و اعتماد به قراردادها را تضعیف کند و در مقابل، تسامح نسبت به رفتارهای مجرمانه نیز امنیت اقتصادی و سلامت مبادلات را تهدید خواهد کرد.

۱. ساختار و روش

چالش اصلی مقاله حاضر در نقطه تلاقی سه حوزه قرار می‌گیرد: نخست، اصل الزام‌آور بودن قرارداد و ضرورت حمایت از ثبات و امنیت معاملات؛ دوم، آثار حقوقی تحریم‌های بین‌المللی بر امکان اجرای تعهد و مسئولیت قراردادی؛ و سوم، ضرورت طراحی سیاست جنایی متناسب برای مقابله با رفتارهای مجرمانه‌ای که ممکن است در پوشش یا بستر روابط قراردادی و محدودیت‌های تحریمی شکل گیرد. در این چارچوب، تحریم نباید به‌صورت خودکار و مطلق، نه موجب رفع مسئولیت قراردادی تلقی شود و نه مبنایی برای انتساب وصف کیفری به هرگونه اقدام برای اجرای قرارداد باشد. تشخیص آثار حقوقی تحریم نیازمند بررسی دقیق نوع مانع، میزان تأثیر آن بر اجرای تعهد، قابلیت پیش‌بینی حادثه، امکان دفع یا کاهش آثار آن، مفاد قرارداد و رفتار واقعی طرفین است.

بر این مبنای پژوهش حاضر با رویکردی حقوقی و تحلیلی، چالش‌های اجرای قراردادهای خصوصی در پرتو تحریم‌های بین‌المللی را در نظام حقوقی ایران بررسی می‌کند و می‌کوشد نشان دهد که پاسخ مناسب به این چالش‌ها مستلزم تفکیک دقیق میان حوزه مسئولیت قراردادی و حوزه مسئولیت کیفری است. در این مسیر، ابتدا آثار تحریم

بر اجرای قرارداد و جایگاه آن در مفاهیمی مانند قوه قاهره، تعذر اجرای تعهد و دشواری اجرای قرارداد بررسی می‌شود؛ سپس، پیامدهای این وضعیت از منظر سیاست جنایی و چالش‌های موجود در نظام حقوقی ایران تحلیل خواهد شد. مسئله محوری آن است که نظام حقوقی ایران چگونه می‌تواند ضمن حمایت از اصل لزوم قراردادها و حفظ امنیت اقتصادی، از یک‌سو مسئولیت قراردادی را در مواردی که اجرای تعهد واقعاً تحت تأثیر مانع خارجی قرار گرفته است به‌درستی ارزیابی کند و از سوی دیگر، در برابر رفتارهای متقلبانه و مجرمانه‌ای که ممکن است در بستر روابط اقتصادی تحریمی شکل گیرد، واکنشی مؤثر، متناسب و منطبق با اصول حقوق کیفری اتخاذ نماید.

۲. مبانی مفهومی و حقوقی اجرای قراردادهای خصوصی در شرایط تحریمی

اجرای قراردادهای خصوصی در نظام حقوقی ایران بر مجموعه‌ای از اصول بنیادین استوار است که مهم‌ترین آن‌ها اصل آزادی قراردادی، اصل الزام‌آور بودن قراردادها و ضرورت احترام به تعهدات ناشی از توافق معتبر است. باین حال، اجرای این اصول در شرایطی که عوامل خارجی و خارج از اراده طرفین، امکان انجام تعهدات را با محدودیت مواجه می‌کنند، نیازمند تحلیل دقیق حدود و استثنائات آن‌هاست. تحریم‌های بین‌المللی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند در فاصله میان انعقاد قرارداد و اجرای تعهد، وضعیت حقوقی و اقتصادی اجرای قرارداد را تغییر دهند. از این رو، تحلیل آثار تحریم بر قراردادهای خصوصی، پیش از هر چیز، مستلزم تبیین مبانی حقوقی الزام به اجرای قرارداد و تعیین معیارهای تشخیص مانع مؤثر بر اجرای تعهد است (Shoarian, 2015).

در نظام حقوقی ایران، اصل آزادی قراردادی مبنای اولیه شکل‌گیری بسیاری از روابط خصوصی است. ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی را تا زمانی که مخالف صریح قانون نباشند نافذ می‌داند. مفاد این ماده نشان می‌دهد که اشخاص در تنظیم روابط قراردادی خود از آزادی قابل‌توجهی برخوردارند، اما این آزادی مطلق نیست و در حدود قانون، نظم عمومی و موازین حقوقی اعمال می‌شود. بنابراین، طرفین قرارداد می‌توانند درباره موضوع تعهد، شیوه اجرا، زمان انجام تعهد، ضمانت‌اجراها و نحوه



توزیع ریسک‌های ناشی از حوادث آینده توافق کنند؛ اما توافق خصوصی نمی‌تواند آثار قواعد آمره یا مقررات کیفری را منتفی سازد. این نکته در قراردادهای متأثر از تحریم اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا طرفین ممکن است با پیش‌بینی شروطی درباره تحریم، فورس‌ماژور یا تغییر اوضاع و احوال، بخشی از ریسک‌های ناشی از محدودیت‌های اقتصادی و حقوقی آینده را میان خود توزیع کنند، ولی چنین شروطی نمی‌تواند مجوز ارتکاب رفتارهایی باشد که قانون‌گذار آن‌ها را جرم شناخته است (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰ و ۹۷۵).

اصل آزادی قراردادی در شرایط تحریمی از دو جهت اهمیت دارد. نخست، به طرفین اجازه می‌دهد پیش از انعقاد قرارداد، ریسک‌های ناشی از تحریم را شناسایی و درباره آثار آن توافق کنند. برای مثال، طرفین می‌توانند مشخص کنند که در صورت وضع تحریم جدید، ممنوعیت انتقال وجه، محدودیت بانکی یا ممنوعیت معامله با یکی از طرفین، اجرای قرارداد به‌طور موقت متوقف شود، طرفین مکلف به مذاکره مجدد باشند یا در شرایط خاص، حق خاتمه قرارداد ایجاد شود. دوم، این اصل امکان می‌دهد دادگاه در تفسیر قرارداد، به اراده مشترک طرفین درباره توزیع ریسک توجه کند. در نتیجه، آثار حقوقی تحریم نباید صرفاً بر اساس وضعیت خارجی و بدون توجه به متن قرارداد تعیین شود؛ زیرا ممکن است طرفین از پیش، احتمال وقوع تحریم یا محدودیت‌های مشابه را پیش‌بینی و مسئولیت ناشی از آن را بر عهده یکی از طرفین گذاشته باشند. در این حالت، ارزیابی مسئولیت قراردادی باید با توجه به توافق خصوصی و حدود تعهدات پذیرفته‌شده صورت گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ شهیدی، ۱۳۹۱).

در کنار اصل آزادی قراردادها، اصل لزوم قراردادها جایگاه اساسی در نظام حقوقی ایران دارد. مطابق ماده ۲۱۹ قانون مدنی، عقود که بر طبق قانون واقع شده باشند، بین متعاملین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع‌اند، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شوند. این اصل بیانگر آن است که انعقاد قرارداد، رابطه‌ای الزام‌آور ایجاد می‌کند و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند صرفاً بر اساس تغییر وضعیت اقتصادی یا دشوار شدن اجرای تعهد، به‌صورت یک‌جانبه از تعهد خود رهایی یابد. بنابراین، اصل اولیه در مواجهه با تحریم نیز استمرار الزام قراردادی است و استناد به تحریم نیازمند احراز

شرایطی است که بتواند در چارچوب استثنائات پذیرفته‌شده بر اصل لزوم قراردادها قرار گیرد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، ماده ۲۱۹؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶).

باین‌حال، اصل لزوم قراردادها به معنای نادیده گرفتن مطلق حوادث خارجی نیست. حقوق قراردادها در همه نظام‌های حقوقی، در کنار اصل وفای به عهد، برای وضعیت‌هایی که اجرای تعهد به‌طور واقعی ناممکن می‌شود یا حادثه‌ای غیرقابل کنترل تعادل قراردادی را به‌شدت برهم می‌زند، راهکارهایی پیش‌بینی کرده است. در حقوق ایران، ماده ۲۲۷ قانون مدنی مقرر می‌کند که متخلف از انجام تعهد زمانی به پرداخت خسارت محکوم می‌شود که نتواند ثابت کند عدم انجام تعهد به علت خارجی بوده که نمی‌توان آن را به او مربوط نمود. همچنین، ماده ۲۲۹ قانون مدنی در موردی که متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست نتواند تعهد خود را انجام دهد، امکان عدم محکومیت به خسارت را مطرح می‌کند. بنابراین، در تحلیل حقوقی تحریم، پرسش اصلی این نیست که آیا تحریم وجود داشته است یا خیر؛ بلکه باید بررسی شود که آیا تحریم در شرایط خاص قرارداد، «علت خارجی» یا «حادثه خارج از اقتدار متعهد» محسوب می‌شود و آیا میان آن حادثه و عدم اجرای تعهد رابطه مستقیم و مؤثر وجود دارد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).

از این منظر، تحریم بین‌المللی یک عنوان کلی است که می‌تواند وضعیت‌های حقوقی متفاوتی ایجاد کند. گاهی تحریم، اجرای موضوع قرارداد را مستقیماً ممنوع می‌کند؛ برای مثال، ممکن است انتقال وجوه به شخص یا نهاد مشخصی ممنوع شود یا ارائه خدمت خاصی به یک طرف قرارداد ممنوعیت قانونی پیدا کند. در چنین وضعیتی، اجرای تعهد ممکن است با مانع حقوقی مستقیم مواجه شود. در حالت دیگر، تحریم مستقیماً اجرای قرارداد را ممنوع نمی‌کند، اما دسترسی به ابزارهای ضروری اجرای تعهد، مانند شبکه بانکی، بیمه، حمل‌ونقل یا خدمات مالی را محدود می‌سازد. در این حالت، باید مشخص شود که آیا ابزار جایگزین قانونی و معقول وجود داشته است یا خیر. در حالت سوم نیز تحریم صرفاً هزینه اجرای قرارداد را افزایش می‌دهد. در چنین وضعیتی، صرف افزایش هزینه، بدون اثبات ناممکن شدن اجرای تعهد، اصولاً با مفهوم تعذر اجرا یکسان نیست و نمی‌تواند به‌طور خودکار موجب رفع مسئولیت متعهد شود. همین تفکیک میان



ممنوعیت حقوقی، مانع عملی و افزایش هزینه، در ارزیابی آثار تحریم بر قرارداد اهمیت بنیادی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ شهیدی، ۱۳۹۱).

بنابراین، مفهوم «اجرای قرارداد در شرایط تحریمی» باید به صورت دقیق از مفهوم «عدم اجرای قرارداد به دلیل تحریم» تفکیک شود. ممکن است قرارداد همچنان از نظر حقوقی قابل اجرا باشد، اما شیوه اجرای آن به دلیل تحریم تغییر کند. برای نمونه، اگر انتقال مستقیم وجه از طریق نظام بانکی معمول امکان پذیر نباشد، طرفین ممکن است بتوانند از یک سازوکار جایگزین قانونی استفاده کنند. در چنین شرایطی، متعهد نمی تواند صرفاً با استناد به وجود تحریم، از اجرای تعهد خودداری کند؛ زیرا معیار حقوقی، عدم امکان واقعی و قابل انتساب نبودن عدم اجراست، نه صرف دشوار شدن مسیر متعارف اجرای تعهد. در مقابل، اگر تمام راه های قانونی و معقول اجرای تعهد مسدود شده باشد و متعهد نیز نقشی در ایجاد این وضعیت نداشته باشد، امکان بررسی آثار رافع مسئولیت حادثه خارجی مطرح می شود (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).

در این میان، مفهوم حسن نیت نیز در تحلیل رفتار طرفین اهمیت پیدا می کند. اگرچه حقوق مدنی ایران همانند برخی نظام های حقوقی، اصل حسن نیت را به صورت یک قاعده عام و صریح در همه مراحل قراردادها تدوین نکرده است، اما بسیاری از قواعد مربوط به اجرای تعهدات، منع سوءاستفاده از حق، تفسیر قرارداد و مسئولیت ناشی از رفتار متعارف، با ضرورت رفتار منصفانه و مبتنی بر اعتماد قراردادی ارتباط دارد. در شرایط تحریمی، متعهد نمی تواند از یک سو از وجود تحریم به عنوان مانع اجرای قرارداد استفاده کند و از سوی دیگر، بدون بررسی راهکارهای جایگزین یا بدون اطلاع رسانی به طرف مقابل، از اجرای تعهد خودداری نماید. همچنین، طرف مقابل نیز نمی تواند با نادیده گرفتن وضعیت واقعی و غیرقابل دفع ایجادشده، در هر شرایطی مطالبه اجرای عینی یا خسارت کند. بنابراین، ارزیابی رفتار طرفین باید با توجه به میزان همکاری، اطلاع رسانی، تلاش برای کاهش آثار مانع و استفاده از راهکارهای متعارف و قانونی انجام گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ شهیدی، ۱۳۹۱).

اهمیت این موضوع در قراردادهای بین المللی و تجاری بیشتر است؛ زیرا در این قراردادها، طرفین معمولاً با ریسک های متعدد سیاسی، اقتصادی و حقوقی مواجه اند و

امکان وقوع تغییرات اساسی در محیط اجرای قرارداد وجود دارد. در چنین قراردادهایی، شرط فورس‌ماژور، شرط تحریم، شرط تغییر اوضاع و احوال و شرط مذاکره مجدد می‌تواند نقش مهمی در تعیین آثار حوادث آینده داشته باشد. درج این شروط موجب می‌شود که طرفین پیش از وقوع حادثه، سازوکار برخورد با آن را تعیین کنند و از اختلاف درباره آثار حقوقی حادثه بکاهند. باین‌حال، اعتبار و آثار هر شرط باید بر اساس متن قرارداد، قانون حاکم و قواعد آمره مورد ارزیابی قرار گیرد و نمی‌توان صرف درج عنوان‌هایی مانند «تحریم» یا «فورس‌ماژور» را برای رفع مسئولیت کافی دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۶؛ شهیدی، ۱۳۹۱).

از سوی دیگر، قراردادهای خصوصی در شرایط تحریمی در خلأ حقوقی و اقتصادی اجرا نمی‌شوند. اجرای آن‌ها ممکن است با مقررات مربوط به مبارزه با پول‌شویی، جرایم اقتصادی، مقررات بانکی و محدودیت‌های قانونی مرتبط با انتقال منابع مالی تلاقی پیدا کند. بنابراین، اصل آزادی قراردادی و اصل لزوم قراردادها باید در کنار قواعد آمره و مقررات کیفری تفسیر شوند. در این چارچوب، طرفین قرارداد نمی‌توانند با استناد به توافق خصوصی، رفتارهایی مانند جعل اسناد، پنهان‌سازی منشأ وجوه یا انجام معاملات صوری را مشروع جلوه دهند. از منظر سیاست جنایی، مسئله اساسی آن است که پاسخ کیفری باید متوجه رفتارهایی باشد که عناصر قانونی جرم را تشکیل می‌دهند، نه صرفاً هر اقدامی که در شرایط تحریمی به نتیجه قراردادی مطلوب منتهی نشده است. این تفکیک برای جلوگیری از خلط مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری و تضمین اصل قانونی بودن جرم و مجازات اهمیت اساسی دارد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲؛ قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

بر این اساس، مبانی حقوقی اجرای قراردادهای خصوصی در شرایط تحریمی را می‌توان بر یک رابطه متوازن میان سه اصل استوار دانست: نخست، اصل آزادی قراردادی و امکان توزیع قراردادی ریسک تحریم؛ دوم، اصل لزوم قرارداد و ضرورت احترام به تعهدات معتبر؛ و سوم، پذیرش محدود و مشروط آثار حوادث خارجی بر مسئولیت قراردادی. نتیجه این رویکرد آن است که تحریم به‌خودی‌خود نه موجب سقوط تعهد می‌شود و نه به‌طور خودکار مسئولیت قراردادی ایجاد می‌کند. اثر حقوقی تحریم باید بر



اساس میزان تأثیر آن بر امکان اجرای تعهد، قابلیت پیش‌بینی حادثه، امکان دفع یا کاهش آثار آن، وجود راهکارهای جایگزین، مفاد قرارداد و رفتار طرفین تعیین شود. همین مبنا در ادامه، امکان تحلیل دقیق‌تر تحریم به‌عنوان قوه قاهره، مانع اجرای تعهد یا صرفاً عامل افزایش هزینه قرارداد را فراهم می‌کند.

۳. آثار تحریم‌های بین‌المللی بر اجرای قراردادهای خصوصی

تحریم‌های بین‌المللی در روابط قراردادی، واجد آثار یکسان و هم‌سطح نیستند و نمی‌توان صرفاً با احراز وجود تحریم، نتیجه گرفت که اجرای قرارداد غیرممکن شده یا متعهد از مسئولیت قراردادی معاف است. اثر حقوقی تحریم تابعی از ماهیت محدودیت ایجادشده، دامنه شمول آن، زمان وضع تحریم، ارتباط آن با موضوع تعهد و امکان استفاده از راهکارهای جایگزین است. ازاین‌رو، تحلیل حقوقی آثار تحریم بر قراردادهای خصوصی باید از رویکرد کلی‌گویی فاصله گرفته و میان وضعیت‌های مختلفی مانند ممنوعیت حقوقی اجرای تعهد، ایجاد مانع عملی برای اجرا، افزایش شدید هزینه‌ها و برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد تفکیک قائل شود. پژوهش‌های حقوقی انجام‌شده در ایران نیز بر این نکته تأکید دارند که تحریم‌ها بسته به شرایط می‌توانند موجب عدم امکان موقت یا دائمی اجرای تعهد شوند یا صرفاً اجرای قرارداد را دشوار و پرهزینه سازند؛ تفاوتی که در تعیین آثار قراردادی و مسئولیت متعهد نقش اساسی دارد (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱)

۳-۱. تحریم به‌عنوان مانع حقوقی اجرای قرارداد

نخستین و شدیدترین اثر تحریم بر قرارداد زمانی رخ می‌دهد که مقررات تحریمی، اجرای مستقیم تعهد را از نظر حقوقی ممنوع سازد. در این وضعیت، متعهد ممکن است به‌موجب مقررات لازم‌الاجرا از انتقال وجه، تحویل کالا، ارائه خدمات یا برقراری رابطه تجاری با شخص یا نهاد مشخصی منع شده باشد. تفاوت اساسی این وضعیت با صرف دشواری اقتصادی آن است که اجرای تعهد در این حالت ممکن است با یک ممنوعیت حقوقی مواجه باشد؛ بنابراین، مسئله دیگر صرفاً افزایش هزینه یا کاهش سودآوری قرارداد نیست، بلکه مشروعیت و امکان قانونی انجام عمل موضوع تعهد مطرح می‌شود.

در چنین شرایطی، ارزیابی مسئولیت قراردادی مستلزم بررسی این امر است که آیا ممنوعیت ایجادشده مستقیماً موضوع تعهد را دربرمی‌گیرد یا خیر و آیا امکان اجرای قانونی تعهد از طریق سازوکار دیگری وجود دارد یا نه (ابراهیمی و اوایارحسین، ۱۳۹۱). برای مثال، اگر موضوع تعهد، انتقال وجوه از طریق یک نهاد مالی مشخص باشد و مقررات تحریمی انتقال مزبور را ممنوع کند، باید میان دو وضعیت تفکیک کرد: در وضعیت نخست، استفاده از هر مسیر قانونی جایگزین برای اجرای تعهد نیز ممنوع یا عملاً غیرممکن است؛ در وضعیت دوم، تنها روش قراردادی اولیه مسدود شده، اما امکان استفاده از روش دیگری که با قانون و قرارداد سازگار باشد وجود دارد. در وضعیت نخست، استناد به مانع خارجی و بررسی آثار آن بر مسئولیت قراردادی موضوعیت بیشتری پیدا می‌کند؛ اما در وضعیت دوم، صرف از بین رفتن روش معمول اجرای تعهد، لزوماً به معنای تعذر اجرای اصل تعهد نیست. بنابراین، دادگاه باید میان «عدم امکان اجرای تعهد» و «عدم امکان اجرای تعهد به شیوه‌ای خاص» تفاوت قائل شود. این تفکیک در نظام حقوقی ایران با توجه به مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی اهمیت ویژه‌ای دارد. مطابق این مقررات، برای رهایی متعهد از مسئولیت خسارت، صرف وجود حادثه خارجی کافی نیست؛ بلکه باید نشان داده شود که عدم اجرای تعهد به علت خارجی منتسب‌نشده به متعهد و حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده است. بنابراین، اگر تحریم تنها یکی از شیوه‌های اجرای تعهد را مسدود کرده باشد، متعهد باید بررسی کند که آیا امکان اجرای تعهد از طریق روش‌های جایگزین وجود دارد یا خیر. عدم انجام چنین بررسی‌ای می‌تواند در ارزیابی رابطه سببیت و قابلیت انتساب عدم اجرا مؤثر باشد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).

۲-۳. تحریم به عنوان مانع عملی اجرای تعهد

دومین وضعیت زمانی ایجاد می‌شود که تحریم، اجرای قرارداد را مستقیماً ممنوع نمی‌کند، اما زیرساخت‌های ضروری اجرای آن را مختل می‌سازد. محدودیت در دسترسی به شبکه‌های بانکی، دشواری انتقال وجوه، امتناع بانک‌ها از ارائه خدمات، محدودیت در حمل‌ونقل یا بیمه و عدم دسترسی به خدمات مالی، نمونه‌هایی از موانعی



هستند که می‌توانند اجرای قرارداد را از نظر عملی دشوار یا موقتاً متوقف کنند. در این وضعیت، قرارداد ممکن است از نظر حقوقی همچنان معتبر و اجرای آن اصولاً مجاز باشد، اما امکانات ضروری برای انجام تعهد در دسترس نباشد. آثار حقوقی چنین وضعیتی به میزان واقعی و مستقیم تأثیر مانع بر اجرای تعهد بستگی دارد (Shoarian, 2014: 17).

در اینجا باید میان «مانع عملی واقعی» و «دشواری تجاری» تمایز گذاشت. اگر تحریم موجب شود که متعهد اساساً نتواند از هیچ مسیر قانونی و معقولی تعهد خود را انجام دهد، امکان استناد به حادثه خارجی و بررسی شرایط قوه قاهره مطرح می‌شود. اما اگر اجرای تعهد همچنان امکان‌پذیر باشد و تنها نیازمند استفاده از مسیرهای پیچیده‌تر، زمان بیشتر یا هزینه بالاتر باشد، وضعیت مزبور لزوماً به معنای عدم امکان اجرا نیست. در واقع، معیار تعیین‌کننده آن است که آیا اجرای تعهد از لحاظ عینی و حقوقی امکان‌پذیر باقی مانده است یا خیر؛ نه اینکه اجرای آن همچنان با همان سهولت و هزینه زمان انعقاد قرارداد امکان‌پذیر باشد (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

اهمیت این تفکیک در قراردادهایی که اجرای آن‌ها وابستگی زیادی به خدمات مالی و بانکی دارد، بیشتر آشکار می‌شود. برای نمونه، در قراردادهایی که پرداخت ثمن یا تأمین مالی از طریق اعتبار اسنادی انجام می‌شود، تحریم بانکی ممکن است مسیر عادی پرداخت را مختل کند. با این حال، بررسی مسئولیت قراردادی نیازمند پاسخ به این پرسش است که آیا پرداخت از طریق روش دیگری امکان‌پذیر بوده یا خیر و آیا قرارداد، روش پرداخت خاصی را به عنوان تنها شیوه اجرای تعهد تعیین کرده است. بنابراین، آثار تحریم بر تعهد پرداخت را نمی‌توان مستقل از مفاد قرارداد و ساختار عملی تعهد ارزیابی کرد.

۳-۳. تحریم به عنوان عامل افزایش هزینه اجرای قرارداد

یکی از مهم‌ترین آثار اقتصادی تحریم، افزایش هزینه اجرای قرارداد است. تحریم ممکن است موجب افزایش هزینه حمل و نقل، بیمه، تأمین مالی، نقل و انتقال پول یا استفاده از واسطه‌های تجاری شود، بدون آنکه اجرای تعهد را به طور کامل غیرممکن کند. در این وضعیت، مسئله اصلی این است که آیا افزایش شدید هزینه می‌تواند موجب رفع

مسئولیت متعهد شود یا باید در قالب نظریه تغییر اوضاع و احوال و دشواری اجرای قرارداد بررسی شود. در ادبیات حقوق قراردادهای، میان قوه قاهره و هاردشیپ تفاوت بنیادی وجود دارد: قوه قاهره ناظر به وضعیتی است که اجرای تعهد غیرممکن می‌شود، درحالی‌که هاردشیپ معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که اجرای تعهد همچنان ممکن است، اما به دلیل تغییر اساسی شرایط، هزینه یا بار اقتصادی آن به‌طور غیرمتعارف افزایش یافته و تعادل قراردادی برهم خورده است (Shoarian, 2014: 21).

ازاین‌رو، صرف افزایش هزینه اجرای قرارداد نباید به‌صورت خودکار با عدم امکان اجرا یکسان تلقی شود. اگر چنین رویکردی پذیرفته شود، هر تغییر شدید در نرخ ارز، هزینه حمل‌ونقل، قیمت مواد اولیه یا هزینه تأمین مالی می‌تواند به‌عنوان عاملی برای رهایی متعهد از تعهدات قراردادی مطرح شود و اصل ثبات قراردادهای را تضعیف کند. در مقابل، اگر افزایش هزینه به حدی باشد که تعادل اقتصادی اساسی قرارداد را از بین ببرد و شرایطی ایجاد کند که اجرای تعهد به‌طور استثنایی و غیرقابل پیش‌بینی دشوار شود، امکان تحلیل موضوع در چارچوب دشواری اجرای تعهد یا سازوکارهای قراردادی تعدیل مطرح می‌شود. بنابراین، تشخیص آثار تحریم در این وضعیت نیازمند ارزیابی شدت، غیرقابل پیش‌بینی بودن و آثار واقعی تغییر شرایط است (شوریان و رحیمی، ۲۰۱۴).

۴-۳. تحریم‌های ثانویه و تأثیر آن‌ها بر روابط قراردادی خصوصی

تحریم‌های ثانویه پیچیدگی ویژه‌ای برای قراردادهای خصوصی ایجاد می‌کنند؛ زیرا آثار آن‌ها می‌تواند متوجه اشخاص یا شرکت‌هایی شود که مستقیماً طرف اصلی تحریم نیستند، اما به دلیل ارتباط اقتصادی با شخص یا کشور تحریم شده در معرض محدودیت قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی، یک شرکت خصوصی ممکن است از نظر حقوق داخلی خود هیچ ممنوعیت مستقیمی برای اجرای قرارداد نداشته باشد، اما به دلیل احتمال از دست دادن دسترسی به بازار، شبکه بانکی یا روابط تجاری خود، از اجرای قرارداد خودداری کند. این وضعیت، مسئله دشواری را ایجاد می‌کند که آیا خطر اقتصادی ناشی از تحریم ثانویه می‌تواند در هر مورد به‌عنوان مانع خارجی رافع مسئولیت قراردادی



پذیرفته شود یا خیر. پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی میزان واقعی و قابل پیش‌بینی بودن خطر و رابطه آن با تعهد قراردادی است (شوریان و رحیمی، ۲۰۱۴).

در این زمینه، باید میان «ممنوعیت مستقیم قانونی» و «ترس از پیامدهای اقتصادی یا حقوقی احتمالی» تمایز گذاشت. در حالت نخست، اجرای قرارداد ممکن است مستقیماً با منع قانونی مواجه باشد. در حالت دوم، طرف قرارداد ممکن است به دلیل احتمال تحریم یا از دست دادن روابط اقتصادی، از اجرای تعهد خودداری کند، درحالی‌که هنوز ممنوعیت مستقیم قانونی وجود ندارد. بدیهی است که این دو وضعیت از نظر مسئولیت قراردادی یکسان نیستند و نمی‌توان هر نوع ریسک تجاری یا نگرانی اقتصادی را به منزله قوه قاهره تلقی کرد. در این وضعیت، متن قرارداد و شروط مربوط به تحریم نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع ریسک خواهند داشت (Shoarian, 2014: 12).

در مجموع، آثار تحریم‌های بین‌المللی بر اجرای قراردادهای خصوصی را نمی‌توان در یک پاسخ واحد خلاصه کرد. تحریم ممکن است اجرای تعهد را از نظر حقوقی ممنوع کند، ابزارهای عملی اجرای آن را از بین ببرد، هزینه اجرای قرارداد را افزایش دهد یا تعادل اقتصادی قرارداد را به شدت مختل سازد. هر یک از این وضعیت‌ها آثار متفاوتی بر مسئولیت قراردادی دارند و باید بر اساس معیارهای خاص خود ارزیابی شوند. نتیجه مهم آن است که تحریم به عنوان یک عنوان کلی، اثر حقوقی خودکار ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، اثر واقعی تحریم بر امکان اجرای تعهد و میزان انتساب عدم اجرا به متعهد است. این رویکرد، مبنای ورود به بحث مهم‌تر بعدی یعنی بررسی جایگاه تحریم در چارچوب قوه قاهره، تعذر اجرای تعهد و هاردشیپ خواهد بود.

۴. تحریم‌های بین‌المللی و مسئولیت قراردادی: قوه قاهره، تعذر اجرا

تعیین اثر حقوقی تحریم‌های بین‌المللی بر قراردادهای خصوصی، بیش از هر چیز به تشخیص رابطه میان حادثه تحریمی و امکان اجرای تعهد بستگی دارد. صرف وقوع تحریم نمی‌تواند به طور خودکار موجب سقوط تعهد، انحلال قرارداد یا معافیت متعهد از مسئولیت قراردادی شود؛ زیرا تحقق چنین آثاری مستلزم احراز شرایط حقوقی مشخصی است. در این چارچوب، سه مفهوم «قوه قاهره»، «تعذر اجرای تعهد» و «هاردشیپ» اهمیت اساسی دارند. هرچند این مفاهیم در برخی موارد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، از

نظر آثار حقوقی و معیارهای تحقق یکسان نیستند. قوه قاهره اساساً با ناممکن شدن اجرای تعهد ارتباط دارد، درحالی‌که هاردشیپ ناظر بر وضعیتی است که اجرای تعهد همچنان ممکن است، اما تغییر اساسی شرایط، بار اقتصادی آن را به‌طور غیرمتعارف افزایش داده و تعادل قراردادی را مختل کرده است (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱)

۴-۱. تحریم به‌عنوان مصداق قوه قاهره

قوه قاهره در حقوق قراردادهای خارجی، غیرقابل کنترل و خارج از قلمرو اراده متعهد گفته می‌شود که اجرای تعهد را به‌طور واقعی ناممکن می‌سازد. در نظام حقوقی ایران، هرچند قانون مدنی اصطلاح «فورس‌ماژور» را به‌صورت مستقل و جامع تعریف نکرده است، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی مبنای مهمی برای تحلیل آثار حوادث خارجی بر مسئولیت قراردادی فراهم می‌کنند. بر اساس این مقررات، متعهد در صورتی می‌تواند از مسئولیت جبران خسارت رهایی یابد که عدم اجرای تعهد ناشی از علتی خارجی و غیرقابل انتساب به وی باشد و حادثه‌ای تحقق یافته باشد که دفع آن خارج از حیطه اقتدار او قرار داشته است. بنابراین، در تحلیل تحریم به‌عنوان قوه قاهره، وجود رابطه مستقیم میان تحریم و عدم اجرای تعهد اهمیت اساسی دارد و صرف هم‌زمانی تحریم با عدم اجرای قرارداد کافی نیست (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹؛ ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

بر این اساس، تحریم زمانی می‌تواند در قالب قوه قاهره مورد بررسی قرار گیرد که اولاً، مانع ایجادشده خارج از اراده و کنترل متعهد باشد؛ ثانیاً، در زمان انعقاد قرارداد به‌گونه‌ای معقول قابل پیش‌بینی نباشد؛ ثالثاً، آثار آن با اقدامات متعارف و معقول قابل دفع یا رفع نباشد؛ و رابعاً، اجرای تعهد را به‌طور واقعی و نه صرفاً اقتصادی یا روانی غیرممکن سازد. این شرایط باید به‌صورت مجموعی ارزیابی شوند. بنابراین، حتی اگر تحریم از سوی دولت یا نهاد خارجی وضع شده باشد، ممکن است در یک قرارداد خاص قوه قاهره محسوب نشود؛ زیرا متعهد از قبل از احتمال وقوع آن آگاه بوده، خطر آن را قراردادی پذیرفته یا امکان اجرای تعهد از طریق راهکارهای قانونی جایگزین را داشته است (Shoarian, 2014: 9). قابلیت پیش‌بینی تحریم در این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر در زمان انعقاد قرارداد، تحریم موجود و آثار آن برای طرفین شناخته‌شده باشد،



استناد بعدی به همان وضعیت به عنوان حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی با دشواری جدی مواجه خواهد شد. در چنین حالتی، طرفین با آگاهی از محیط حقوقی و اقتصادی موجود وارد قرارداد شده‌اند و اصل بر این است که ریسک‌های شناخته‌شده را در تصمیم قراردادی خود لحاظ کرده‌اند. در مقابل، وضع تحریم جدید و گسترده‌ای که پس از انعقاد قرارداد ایجاد شده و به‌طور مستقیم اجرای تعهد را غیرممکن می‌کند، می‌تواند زمینه بررسی قوه قاهره را فراهم سازد. با این حال، حتی در این حالت نیز باید سایر شرایط، از جمله عدم امکان دفع مانع و رابطه سببیت، احراز شود (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱). رویه قضایی داخلی نیز نشان می‌دهد که وجود تحریم به‌تنهایی برای پذیرش فورس‌ماژور کافی تلقی نمی‌شود. در یکی از آرای دادگاه تجدیدنظر استان تهران، استناد به تحریم‌های اقتصادی در قرارداد کوتاه‌مدت، با توجه به قابلیت پیش‌بینی وضعیت تحریمی، برای سلب مسئولیت متعهد کافی دانسته نشده است. اهمیت این رویکرد در آن است که دادگاه به جای پذیرش خودکار عنوان تحریم به عنوان قوه قاهره، به شرایط زمان انعقاد قرارداد و امکان پیش‌بینی وضعیت توجه کرده است. این رویکرد با تحلیل حقوقی قوه قاهره سازگار است؛ زیرا قابلیت پیش‌بینی و امکان انتساب ریسک به متعهد از معیارهای مهم تشخیص حادثه رافع مسئولیت محسوب می‌شوند (دادنامه شماره ۱۲۲۴۰۱۲۳۲۰۲۲۳۲۰۹۳۰۹۹۷۰، ۱۳۹۳)

۲-۴. تعذر اجرای تعهد و آثار آن

تعذر اجرای تعهد زمانی مطرح می‌شود که انجام موضوع تعهد، به دلیل حادثه‌ای خارج از اراده متعهد، عملاً یا حقوقاً امکان‌پذیر نباشد. در چنین وضعیتی، باید میان تعذر موقت و تعذر دائمی تفاوت گذاشت. اگر تحریم برای مدت محدودی مانع اجرای تعهد شود، اصل بر آن است که قرارداد تا زمان رفع مانع باقی بماند و آثار عدم اجرا با توجه به مدت و شدت مانع ارزیابی شود. اما اگر تحریم تمام مدت اجرای قرارداد را دربرگیرد و هیچ امکان معقولی برای اجرای تعهد باقی نگذارد، مسئله عقیم شدن یا پایان یافتن هدف قراردادی مطرح می‌شود. بنابراین، زمان استمرار مانع در تعیین اثر حقوقی تحریم نقش تعیین‌کننده دارد (فلسفی تنکابنی، ۱۳۹۱). در این زمینه، نباید میان «تأخیر در اجرا» و

«عدم امکان اجرا» خلط کرد. ممکن است تحریم اجرای تعهد را برای مدتی به تأخیر اندازد، اما پس از رفع محدودیت، اجرای قرارداد همچنان ممکن باشد. در چنین وضعیتی، آثار حقوقی تأخیر باید بر اساس قرارداد و قواعد مسئولیت قراردادی بررسی شود. در مقابل، اگر مانع به‌گونه‌ای باشد که اجرای تعهد در زمان مقرر و پس از آن نیز امکان‌پذیر نباشد، موضوع از تأخیر فراتر رفته و به تعذر واقعی اجرای تعهد نزدیک می‌شود. این تفکیک در قراردادهای بلندمدت اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ممکن است تحریم در مقطعی مانع اجرای تعهد شود، اما استمرار قرارداد و امکان اجرای آن پس از رفع مانع همچنان حفظ شود (فلسفی تنکابنی، ۱۳۹۱).

۳-۴. دشواری شدید اجرای قرارداد

هاردشیپ از قوه قاهره متمایز است؛ زیرا در هاردشیپ اجرای تعهد به‌طور کامل غیرممکن نمی‌شود، بلکه شرایط اجرای آن به‌گونه‌ای اساسی تغییر می‌کند که بار اقتصادی تعهد به‌طور غیرمعارف افزایش یا ارزش عوض دریافتی به‌شدت کاهش می‌یابد. در نتیجه، تعادل اقتصادی قرارداد برهم می‌خورد، بدون آنکه اجرای تعهد از نظر عینی ناممکن شده باشد. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند در مواردی چنین وضعیتی ایجاد کنند؛ برای مثال، افزایش شدید هزینه انتقال وجوه، حمل کالا، بیمه، تأمین مالی یا استفاده از واسطه‌های تجاری ممکن است اجرای قرارداد را بسیار دشوار کند، اما همچنان امکان انجام آن وجود داشته باشد (فلسفی تنکابنی، ۱۳۹۱).

اهمیت هاردشیپ در آن است که واکنش حقوقی به آن الزاماً معافیت کامل متعهد از اجرای تعهد نیست. در چنین وضعیتی، راهکارهایی مانند مذاکره مجدد، تعدیل تعهد، تغییر روش اجرا یا در شرایط خاص خاتمه قرارداد می‌تواند مطرح شود. البته در حقوق ایران، پذیرش آثار هاردشیپ به‌صورت عام و مستقل، با چالش‌هایی مواجه است و نمی‌توان بدون توجه به مبنای قانونی یا قراردادی، صرف برهم خوردن تعادل اقتصادی را موجب تعدیل قضایی قرارداد دانست. از این‌رو، اهمیت شروط قراردادی در این زمینه افزایش می‌یابد؛ زیرا طرفین می‌توانند از ابتدا سازوکار برخورد با تغییرات اساسی و غیرقابل پیش‌بینی شرایط را تعیین کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۶). از منظر تحریم، مرز میان قوه قاهره و هاردشیپ در عمل ممکن است دشوار باشد. یک تحریم می‌تواند برای یک



طرف قرارداد اجرای تعهد را کاملاً غیرممکن کند، اما برای طرف دیگر تنها موجب افزایش هزینه شود. بنابراین، وصف حقوقی تحریم باید با توجه به تعهد مشخص هر طرف ارزیابی شود و نمی‌توان برای کل قرارداد، یک اثر واحد در نظر گرفت. ممکن است تحریم نسبت به تعهد پرداخت، مانع حقوقی ایجاد کند، اما نسبت به تعهد تحویل کالا صرفاً موجب افزایش هزینه حمل شود. در نتیجه، تحلیل حقوقی باید تعهد به تعهد و بر اساس ساختار واقعی قرارداد انجام گیرد (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

۴-۴. نقش شروط قراردادی در تعیین آثار تحریم

در قراردادهای خصوصی، شرط تحریم و شرط فورس‌ماژور می‌تواند نقش مهمی در تعیین آثار حقوقی تحریم داشته باشد. طرفین می‌توانند مشخص کنند که چه نوع تحریمی موجب تعلیق تعهد، مذاکره مجدد، تمدید مهلت، عدم مسئولیت نسبت به خسارت یا خاتمه قرارداد خواهد شد. چنین شروطی، از منظر مدیریت ریسک قراردادی، موجب می‌شود اختلاف درباره آثار حادثه پس از وقوع آن کاهش یابد. با این حال، تفسیر این شروط باید بر اساس متن قرارداد و قصد مشترک طرفین انجام شود و نمی‌توان صرف ذکر واژه «تحریم» را به منزله پذیرش همه آثار ناشی از هر نوع محدودیت اقتصادی دانست. در این زمینه، تعیین دقیق دامنه شرط تحریم اهمیت اساسی دارد. اگر شرط تنها تحریم‌های مستقیم علیه خود طرف قرارداد را دربرگیرد، ممکن است تحریم‌های ثانویه یا محدودیت‌های غیرمستقیم مشمول آن نباشد. همچنین، اگر شرط قراردادی اجرای تعهد را در صورت وقوع تحریم به‌طور خودکار معلق کند، باید مشخص شود که تعلیق تا چه زمانی ادامه دارد و آیا طرفین مکلف به تلاش برای یافتن راهکار جایگزین هستند یا خیر. هرچه شرط قراردادی دقیق‌تر باشد، امکان تفسیر موسع یا مضیق و بروز اختلاف کاهش می‌یابد (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

۵-۴. معیار پیشنهادی برای ارزیابی مسئولیت قراردادی

بررسی مباحث پیش‌گفته نشان می‌دهد که برای ارزیابی اثر تحریم بر مسئولیت قراردادی، نمی‌توان به یک معیار واحد بسنده کرد. تحلیل حقوقی باید دست‌کم شامل پنج مرحله باشد: نخست، شناسایی دقیق نوع تحریم و محدودیتی که ایجاد کرده است؛

دوم، تعیین تعهد مشخصی که اجرای آن با مانع مواجه شده است؛ سوم، بررسی امکان اجرای تعهد از طریق راهکارهای قانونی و معقول جایگزین؛ چهارم، ارزیابی قابلیت پیش‌بینی و دفع حادثه؛ و پنجم، بررسی مفاد قرارداد و شروط مربوط به توزیع ریسک. بر اساس این معیار، تنها در صورتی می‌توان آثار رافع مسئولیت را پذیرفت که رابطه مستقیم و مؤثر میان تحریم و عدم اجرای تعهد احراز شود و متعهد نیز نتوانسته باشد با اقدامات متعارف و قانونی از مانع جلوگیری یا آثار آن را کاهش دهد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).

بر این اساس، تحریم‌های بین‌المللی را نمی‌توان به‌طور مطلق در قالب قوه قاهره یا هاردشیپ قرار داد. تحریم ممکن است در یک وضعیت، اجرای تعهد را به‌طور کامل غیرممکن سازد و آثار قوه قاهره را به دنبال داشته باشد؛ در وضعیت دیگر، صرفاً اجرای تعهد را دشوار و پرهزینه کند و در قلمرو هاردشیپ قرار گیرد؛ و در وضعیت سوم، هیچ اثر رافع مسئولیتی نداشته باشد، زیرا متعهد همچنان امکان اجرای تعهد را داشته یا خطر تحریم را از پیش پذیرفته است. این رویکرد تفکیکی، مبنای مناسبی برای تحلیل مسئولیت قراردادی در نظام حقوقی ایران فراهم می‌کند و از آن مهم‌تر، زمینه را برای بررسی مرز میان نقض قراردادی و رفتار مجرمانه در شرایط تحریمی فراهم می‌سازد (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

۵. چالش‌های سیاست جنایی در مواجهه با قراردادهای متأثر از تحریم

ورود تحریم‌های بین‌المللی به عرصه روابط قراردادی، مسئله‌ای صرفاً مربوط به حقوق مدنی و مسئولیت قراردادی نیست؛ زیرا اجرای قرارداد در محیط تحریمی ممکن است اشخاص را با مجموعه‌ای از محدودیت‌های کیفری و الزامات نظارتی نیز مواجه سازد. در چنین شرایطی، طرفین قرارداد برای حفظ رابطه اقتصادی خود ممکن است به روش‌های جایگزین پرداخت، واسطه‌های تجاری، تغییر مسیر انتقال کالا یا منابع مالی و ساختارهای قراردادی پیچیده متوسل شوند. این اقدامات، صرف‌نظر از انگیزه اقتصادی آن‌ها، باید بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات و با توجه به عناصر قانونی، مادی و روانی هر جرم ارزیابی شوند. بنابراین، سیاست جنایی در این حوزه با یک مسئله



دوگانه مواجهه است: از یک سو باید با رفتارهایی که واقعاً به اخلال در امنیت اقتصادی، پول‌شویی، جعل، کلاهبرداری یا سایر جرایم اقتصادی منتهی می‌شوند مقابله کند و از سوی دیگر، نباید صرف دشواری اجرای قرارداد در شرایط تحریمی را به صورت ناموجه در قلمرو مسئولیت کیفری قرار دهد (Portela, 2019: 75).

۱-۵. ضرورت تفکیک مسئولیت قراردادی از مسئولیت کیفری

نخستین چالش سیاست جنایی در این حوزه، جلوگیری از خلط میان نقض تعهد قراردادی و ارتکاب جرم است. قرارداد خصوصی، در اصل، رابطه‌ای حقوقی میان طرفین ایجاد می‌کند و عدم اجرای تعهد، حسب مورد، می‌تواند موجب الزام به اجرا، مطالبه خسارت، فسخ یا سایر ضمانت‌اجراهای مدنی شود. اما ورود رفتار به قلمرو حقوق کیفری مستلزم وجود نص قانونی و تحقق عناصر جرم است. بنابراین، عدم پرداخت وجه، تأخیر در تحویل کالا یا ناتوانی از اجرای تعهد، حتی اگر ناشی از شرایط تحریمی باشد، به خودی خود جرم محسوب نمی‌شود؛ مگر آنکه رفتار ارتكابی با عنوان مجرمانه مشخصی منطبق باشد و عناصر قانونی و مادی و روانی آن تحقق یابد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

اهمیت این تفکیک در شرایط تحریمی بیشتر است؛ زیرا تحریم ممکن است موجب کاهش توان اقتصادی متعهد یا مسدود شدن مسیرهای عادی اجرای قرارداد شود. اگر صرف عدم اجرای تعهد در چنین وضعیتی مبنای مداخله کیفری قرار گیرد، مرز میان مسئولیت مدنی و کیفری از میان خواهد رفت و حقوق کیفری به ابزار تضمین اجرای همه تعهدات خصوصی تبدیل خواهد شد. چنین رویکردی با اصل حداقلی بودن مداخله کیفری و ضرورت تفسیر مضیق مقررات کیفری سازگار نیست. از این رو، سیاست جنایی مطلوب باید ابتدا ماهیت رفتار را مشخص کند و سپس، در صورت وجود عناصر جرم، پاسخ کیفری را اعمال نماید؛ نه اینکه از نتیجه نامطلوب قرارداد، وجود جرم را استنتاج کند.

۲-۵. سیاست جنایی در برابر روش‌های جایگزین اجرای قرارداد

تحریم‌ها ممکن است طرفین را به استفاده از روش‌های جایگزین برای اجرای تعهدات قراردادی سوق دهند. انتقال غیرمستقیم وجوه، استفاده از اشخاص ثالث، تغییر مسیر

تجاری و استفاده از سازوکارهای مالی جایگزین، در صورتی که فاقد ممنوعیت قانونی باشند، لزوماً رفتار مجرمانه محسوب نمی‌شوند. معیار حقوق کیفری، صرفاً غیرمعارف بودن روش اجرای تعهد نیست؛ بلکه باید مشخص شود که آیا رفتار انجام‌شده با عنوان مجرمانه قانونی انطباق دارد یا خیر. باین‌حال، استفاده از اشخاص ثالث یا ساختارهای پیچیده معاملاتی می‌تواند در مواردی با پنهان‌سازی منشأ واقعی وجوه، ارائه اطلاعات خلاف واقع یا ایجاد معاملات صوری همراه شود. در چنین شرایطی، موضوع از قلمرو صرف اجرای قرارداد خارج شده و ممکن است حسب مورد با مقررات کیفری مرتبط با پول‌شویی یا سایر جرایم اقتصادی تلاقی پیدا کند. قانون مبارزه با پول‌شویی، با اصلاحات بعدی، «جرم منشأ» و «مال» را به‌صورت گسترده تعریف کرده و رفتارهایی مانند تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از جرم و نیز تبدیل، مبادله یا انتقال عواید با هدف پنهان کردن منشأ مجرمانه آن‌ها را در چارچوب جرم پول‌شویی مورد توجه قرار داده است (قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

در نتیجه، وجود تحریم نمی‌تواند به‌تنهایی مجوز استفاده از هر شیوه‌ای برای اجرای قرارداد باشد. از منظر سیاست جنایی، باید میان «تغییر مشروع روش اجرای تعهد» و «پنهان‌سازی مجرمانه منشأ یا ماهیت عملیات مالی» تفکیک شود. این تفکیک، از یک‌سو مانع آن می‌شود که اشخاص به‌دلیل استفاده از راهکارهای قانونی و جایگزین در شرایط دشوار اقتصادی با پاسخ کیفری نامتناسب مواجه شوند و از سوی دیگر، اجازه نمی‌دهد پوشش قراردادی برای مشروع جلوه دادن عملیات مجرمانه مورد استفاده قرار گیرد (Portela, 2019: 55).

۳-۵. چالش جرم‌انگاری و پراکندگی مقررات کیفری

یکی از مشکلات مهم سیاست جنایی ایران در حوزه جرایم اقتصادی، پراکندگی مقررات، فقدان تعریف جامع و منسجم از جرایم اقتصادی و تعدد مراجع تقنینی و اجرایی است. این وضعیت در شرایط تحریمی اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا رفتارهای اقتصادی اشخاص ممکن است هم‌زمان با مقررات قراردادی، بانکی، گمرکی، ارزی و کیفری ارتباط پیدا کند. در چنین محیطی، فقدان معیار روشن برای تفکیک تخلف،



مسئولیت مدنی و جرم می‌تواند موجب تفسیرهای متفاوت و کاهش امنیت حقوقی فعالان اقتصادی شود. این مشکل در موضوع قراردادهای متأثر از تحریم به‌طور خاص خود را نشان می‌دهد؛ زیرا یک رفتار واحد ممکن است از منظر اقتصادی اقدامی برای حفظ فعالیت تجاری تلقی شود، اما از منظر مقررات خاص، در صورت وجود عناصر قانونی لازم، تخلف یا جرم شناخته شود. بنابراین، سیاست جنایی باید از توسعه عناوین کیفری از طریق تفسیر موسع پرهیز کند. در مقابل، هرگاه رفتار شخص عمداً برای پنهان‌سازی عملیات مالی، فریب مراجع قانونی یا تحصیل منفعت از طریق روش‌های مجرمانه طراحی شده باشد، باید پاسخ کیفری متناسب اعمال شود. معیار اصلی در اینجا، نه صرف وجود تحریم، بلکه ماهیت واقعی رفتار و عناصر تشکیل‌دهنده جرم است (da Silveira, 2017: 66).

۴-۵. پول‌شویی و معاملات صوری در بستر قراردادهای تحریمی

یکی از مهم‌ترین نقاط تلاقی قراردادهای تحریمی و سیاست جنایی، احتمال استفاده از قراردادهای صوری برای پوشاندن ماهیت واقعی معاملات یا منشأ وجوه است. قرارداد خصوصی، در حالت عادی، ابزار مشروع تنظیم روابط اقتصادی است؛ اما ممکن است در برخی موارد به‌عنوان پوششی برای انتقال یا تبدیل عواید حاصل از جرم مورد استفاده قرار گیرد. در چنین وضعیتی، عنوان قراردادی عمل نمی‌تواند ماهیت کیفری رفتار را از بین ببرد. آنچه اهمیت دارد، واقعیت اقتصادی معامله، منشأ دارایی‌ها، هدف طرفین و رفتار انجام‌شده در فرآیند انتقال یا پنهان‌سازی اموال است (قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی). با این حال، نباید هر قرارداد پیچیده یا هر استفاده از واسطه را معامله صوری یا پول‌شویی تلقی کرد. در محیط‌های تحریمی، ساختارهای چندلایه تجاری ممکن است به دلایل عملی و برای حفظ امکان مبادله شکل گرفته باشند. بنابراین، انتساب وصف کیفری نیازمند احراز شرایط قانونی جرم و بررسی دقیق شواهد است. این مسئله از منظر اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات اهمیت ویژه دارد و مانع آن می‌شود که دشواری اثبات ماهیت واقعی یک معامله با فرض مجرمانه

بودن رفتار جبران شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۷؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲)

۵-۵. ضرورت سیاست جنایی افتراقی و متناسب

با توجه به تفاوت رفتارهای ارتكابی در شرایط تحریمی، سیاست جنایی نمی‌تواند پاسخ واحدی برای همه موارد ارائه کند. در یک وضعیت، شخص به دلیل تحریم واقعاً قادر به اجرای قرارداد نیست و فاقد هرگونه رفتار مجرمانه است. در وضعیت دیگر، شخص با وجود امکان اجرای قانونی تعهد، عمداً از انجام آن خودداری می‌کند و مسئولیت مدنی وی مطرح می‌شود. در وضعیت سوم، شخص برای اجرای قرارداد از شیوه‌ای قانونی و جایگزین استفاده می‌کند. در وضعیت چهارم نیز ممکن است از پوشش قرارداد برای پنهان کردن منشأ مجرمانه اموال یا ارتكاب رفتارهای متقلبانه استفاده شود. یک سیاست جنایی کارآمد باید میان این وضعیت‌ها تمایز بگذارد و پاسخ‌های حقوقی متفاوتی برای آن‌ها طراحی کند.

پژوهش‌های داخلی درباره سیاست جنایی ایران در قبال جرایم اقتصادی نیز بر فقدان سیاست جنایی منسجم، تعدد مقررات و نبود معیارهای روشن برای شناسایی و تفکیک جرایم اقتصادی تأکید کرده‌اند. بر این اساس، در حوزه قراردادهای متأثر از تحریم، سیاست جنایی مطلوب باید مبتنی بر پاسخ افتراقی باشد؛ به این معنا که برای ناتوانی واقعی از اجرای تعهد، راهکارهای مدنی و قراردادی؛ برای تخلف قراردادی، ضمانت‌اجراهای حقوق خصوصی؛ و برای رفتارهای واجد عناصر جرم، پاسخ کیفری متناسب پیش‌بینی شود. در نتیجه، چالش اصلی سیاست جنایی در این حوزه، انتخاب میان «مداخله کیفری» و «عدم مداخله کیفری» به صورت مطلق نیست؛ بلکه طراحی معیارهایی برای تعیین قلمرو مناسب هر یک از پاسخ‌های حقوقی است. تحریم نباید سپری برای ارتكاب جرم باشد، اما دشواری ناشی از تحریم نیز نباید به خودی خود موجب جرم‌انگاری رفتار قراردادی شود. از این منظر، سیاست جنایی مطلوب باید بر سه پایه استوار باشد: حمایت از امنیت و سلامت اقتصادی، رعایت اصل قانونی بودن و تناسب پاسخ کیفری، و حفظ تمایز میان مسئولیت قراردادی و مسئولیت کیفری.



۶. تفکیک نقض قراردادی از رفتار مجرمانه در فرآیند اجرای قراردادهای متأثر از

تحریم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی ناشی از اجرای قراردادهای خصوصی در شرایط تحریمی، تعیین مرز میان عدم اجرای تعهد قراردادی و ارتکاب رفتار مجرمانه است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که تحریم‌های بین‌المللی می‌توانند هم‌زمان بر توان اقتصادی اشخاص، امکان انتقال وجوه، شیوه انجام معاملات و ساختار روابط تجاری اثر بگذارند. در چنین شرایطی، ممکن است شخصی نتواند تعهد خود را اجرا کند، اما این ناتوانی هیچ وصف کیفری نداشته باشد؛ در مقابل، ممکن است شخص دیگری با استفاده از یک قرارداد خصوصی، رفتارهایی مانند فریب، جعل، پنهان‌سازی منشأ اموال یا انتقال عواید حاصل از جرم را انجام دهد. بنابراین، صرف ارتباط یک رفتار با قرارداد یا شرایط تحریمی، برای تعیین ماهیت حقوقی آن کافی نیست و باید میان رابطه قراردادی، رفتار خارجی و عناصر قانونی جرم تفکیک صورت گیرد (da Silveira, 2017: 76).

۱-۶. عدم اجرای تعهد قراردادی و اصل عدم مداخله کیفری

اصل اولیه در روابط قراردادی آن است که عدم اجرای تعهد، در قلمرو مسئولیت مدنی بررسی شود. تعهد قراردادی، رابطه‌ای خصوصی ایجاد می‌کند و نقض آن اصولاً موجب ضمانت‌اجراهای مدنی مانند الزام به اجرا، مطالبه خسارت، فسخ یا سایر آثار پیش‌بینی‌شده در قانون یا قرارداد می‌شود. بنابراین، عدم پرداخت ثمن، تأخیر در تحویل کالا یا عدم ارائه خدمت، به‌خودی‌خود جرم نیست؛ مگر اینکه رفتار با یکی از عناوین مجرمانه قانونی منطبق شود. این اصل، نتیجه مستقیم اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که بر اساس آن، هیچ رفتاری را نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه پیش از ارتکاب، به موجب قانون جرم شناخته شده باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۶؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۲).

در شرایط تحریمی، این اصل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ممکن است عدم اجرای قرارداد نتیجه عواملی مانند مسدود شدن حساب، قطع دسترسی به شبکه بانکی، ممنوعیت انتقال وجه یا عدم امکان تهیه کالا باشد. در چنین وضعیتی، نخست باید

بررسی شود که آیا رفتار شخص صرفاً یک عدم اجرای قراردادی است یا اینکه در کنار آن، رفتار مستقلاً با وصف مجرمانه نیز رخ داده است. اگر شخص به دلیل مانع خارجی واقعاً قادر به اجرای تعهد نباشد و هیچ رفتار مجرمانه‌ای انجام نداده باشد، تحمیل مسئولیت کیفری صرفاً بر مبنای عدم اجرای قرارداد با اصول بنیادین حقوق کیفری سازگار نیست (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۷).

از این منظر، شرایط تحریمی ممکن است در ارزیابی مسئولیت مدنی مؤثر باشد، اما این تأثیر الزاماً به حوزه کیفری منتقل نمی‌شود. برای مثال، اگر تحریم موجب شود متعهد نتواند وجه قرارداد را از مسیر معمول منتقل کند، ممکن است مسئولیت قراردادی او بر اساس امکان یا عدم امکان اجرای تعهد بررسی شود؛ اما صرف این ناتوانی، بدون وجود رفتار مجرمانه مستقل، نمی‌تواند مبنای محکومیت کیفری قرار گیرد. این تفکیک برای جلوگیری از کیفری‌سازی اختلافات قراردادی و حفظ مرزهای سنتی میان حقوق خصوصی و حقوق کیفری ضروری است

۲-۶. نقض قرارداد همراه با رفتار متقلبانه

وضعیت متفاوت زمانی ایجاد می‌شود که عدم اجرای قرارداد با رفتار متقلبانه همراه باشد. در این حالت، موضوع دیگر صرفاً نقض تعهد نیست، بلکه باید بررسی شود آیا شخص از ابتدا با توسل به وسایل متقلبانه، طرف مقابل را فریب داده و مال یا منفعتی تحصیل کرده است یا خیر. بنابراین، میان «ناتوانی در اجرای قرارداد» و «انعقاد قرارداد با قصد فریب» تفاوت اساسی وجود دارد. در حالت نخست، ممکن است مسئولیت مدنی مطرح باشد؛ در حالت دوم، در صورت تحقق شرایط قانونی، امکان انتساب عنوان کیفری وجود دارد (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، ۱۳۶۷).

در محیط تحریمی، احتمال بروز چنین وضعیتی افزایش می‌یابد؛ زیرا پیچیدگی معاملات، استفاده از واسطه‌ها و دشواری احراز توان واقعی طرفین ممکن است زمینه سوءاستفاده را فراهم کند. با این حال، صرف پیچیده بودن ساختار قرارداد یا استفاده از شخص ثالث،

دلیل وجود تقلب نیست. برای انتساب رفتار مجرمانه، باید عناصر قانونی جرم، رفتار مادی متقلبانه و سوءنیت لازم احراز شود. بنابراین، تحلیل حقوقی باید از نتیجه‌محوری پرهیز کند و میان شکست اقتصادی یک معامله و فریب کیفری تمایز بگذارد (da Silveira, 2017: 83).

۳-۶. قراردادهای صوری و پنهان‌سازی واقعیت اقتصادی معامله

یکی از مهم‌ترین مسائل در قراردادهای متأثر از تحریم، احتمال استفاده از قراردادهای صوری برای پنهان کردن ماهیت واقعی عملیات اقتصادی است. قرارداد صوری در مفهوم حقوقی، قراردادی است که ظاهر آن با اراده واقعی طرفین مطابقت ندارد. با این حال، هر قرارداد صوری الزاماً جرم نیست. ممکن است صوری بودن قرارداد صرفاً موجب بی‌اعتباری یا عدم قابلیت استناد آن در روابط خصوصی شود، اما اگر از این ساختار برای پنهان‌سازی منشأ مجرمانه اموال یا انتقال عواید حاصل از جرم استفاده شود، موضوع می‌تواند وارد قلمرو کیفری شود (قانون مدنی، ۱۳۰۷؛ قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی). از این رو، باید میان «صوری بودن مدنی» و «صوری بودن با هدف مجرمانه» تفکیک کرد. در حالت نخست، مسئله عمدتاً به اعتبار قرارداد و آثار آن در روابط طرفین مربوط است. در حالت دوم، قرارداد ممکن است به عنوان ابزار تحقق یا پوشش جرم مورد استفاده قرار گرفته باشد. این تفکیک اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نمی‌توان صرف غیرواقعی بودن ظاهر قرارداد را بدون احراز سایر عناصر قانونی، دلیل تحقق جرم دانست. در مقابل، اگر ثابت شود قرارداد به منظور پنهان‌سازی منشأ مجرمانه مال یا مخفی کردن عملیات مالی غیرقانونی ایجاد شده است، عنوان قراردادی آن مانع اعمال مقررات کیفری نخواهد بود (قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

۴-۶. استفاده از واسطه‌ها و اشخاص ثالث

استفاده از واسطه در قراردادهای تجاری، فی‌نفسه اقدامی مشروع است و در بسیاری از روابط اقتصادی، واسطه‌ها نقش عادی و قانونی دارند. در شرایط تحریمی نیز ممکن است طرفین برای یافتن مسیرهای قانونی اجرای قرارداد، از اشخاص ثالث استفاده کنند.

بنابراین، صرف وجود واسطه یا انتقال تعهد به شخص ثالث نمی‌تواند دلیل ارتکاب جرم باشد. معیار اصلی آن است که آیا استفاده از شخص ثالث در چارچوب قوانین انجام شده یا با هدف پنهان‌سازی هویت واقعی طرفین، منشأ وجوه یا ماهیت معامله صورت گرفته است. این موضوع در رابطه با جرم پول‌شویی اهمیت خاصی دارد. قانون مبارزه با پول‌شویی، رفتارهایی را که با هدف پنهان یا کتمان منشأ مجرمانه اموال انجام می‌شوند، در صورت تحقق سایر شرایط قانونی، مورد توجه قرار داده است. بنابراین، استفاده از واسطه زمانی می‌تواند واجد اهمیت کیفری شود که بخشی از یک عملیات عامدانه برای مخفی کردن منشأ مجرمانه دارایی یا دشوار کردن کشف آن باشد. در غیر این صورت، استفاده از واسطه در یک قرارداد تحریمی، صرفاً یک روش قراردادی یا تجاری است و نمی‌توان از آن به‌تنهایی وصف مجرمانه استخراج کرد (قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

۵-۶. رابطه میان تحریم، قصد مجرمانه و مسئولیت کیفری

وجود تحریم، به‌تنهایی نه دلیل قصد مجرمانه است و نه موجب رفع آن. در برخی موارد، شخص ممکن است با انگیزه حفظ فعالیت اقتصادی خود، از روش‌های جایگزین برای اجرای قرارداد استفاده کند؛ در موارد دیگر، همین وضعیت ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد و شخص با قصد فریب، پنهان‌سازی یا تحصیل منفعت نامشروع اقدام کند. بنابراین، انگیزه اقتصادی ناشی از فشار تحریم نباید به‌صورت خودکار به‌عنوان سوءنیت کیفری تلقی شود؛ همان‌گونه که استناد به تحریم نیز نباید مانع بررسی قصد مجرمانه در مواردی شود که شواهد کافی بر وجود آن دلالت دارد.

از این منظر، تحلیل عنصر روانی جرم در قراردادهای متأثر از تحریم اهمیت ویژه‌ای دارد. باید مشخص شود که آیا شخص می‌دانسته رفتار او واجد ویژگی‌های مجرمانه است و آیا با اراده لازم برای تحقق نتیجه مجرمانه اقدام کرده است یا خیر. برای نمونه، تفاوت اساسی وجود دارد میان شخصی که به دلیل مسدود شدن مسیر بانکی از یک روش جایگزین قانونی استفاده می‌کند و شخصی که با علم به منشأ مجرمانه وجوه، از یک قرارداد صوری برای پنهان‌سازی آن استفاده می‌کند. هر دو ممکن است از ساختار



قراردادی مشابهی استفاده کنند، اما عنصر روانی و هدف واقعی رفتار، ماهیت حقوقی آن‌ها را متفاوت می‌سازد (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

۶-۶. معیار پیشنهادی برای تفکیک نقض قرارداد از جرم

بررسی مباحث پیشین نشان می‌دهد که برای تشخیص مرز میان نقض قرارداد و رفتار مجرمانه در شرایط تحریمی، باید چند پرسش اساسی مطرح شود: آیا تعهد قراردادی اساساً قابل اجرا بوده است؟ آیا عدم اجرا ناشی از مانع خارجی بوده یا ناشی از امتناع عمدی؟ آیا در جریان اجرای قرارداد، رفتار مستقلاً مانند جعل، فریب، پنهان‌سازی منشأ اموال یا انتقال عواید حاصل از جرم رخ داده است؟ آیا رفتار با عنوان مجرمانه مشخصی در قانون انطباق دارد؟ آیا عناصر مادی و روانی جرم احراز شده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها امکان تفکیک دقیق حوزه مسئولیت مدنی و کیفری را فراهم می‌کند.

بر اساس این معیار، می‌توان چهار وضعیت را از یکدیگر متمایز کرد. در وضعیت نخست، تحریم اجرای تعهد را غیرممکن کرده و هیچ رفتار مجرمانه‌ای رخ نداده است؛ در این حالت، مسئله در قلمرو قوه قاهره یا تعذر اجرا بررسی می‌شود. در وضعیت دوم، اجرای تعهد ممکن بوده، اما متعهد بدون دلیل موجه از انجام آن خودداری کرده است؛ در این وضعیت، مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود. در وضعیت سوم، طرف قرارداد برای اجرای تعهد از روش جایگزین قانونی استفاده کرده است؛ این وضعیت اصولاً فاقد وصف کیفری است. در وضعیت چهارم، قرارداد یا عملیات مالی برای فریب، پنهان‌سازی یا انتقال عواید حاصل از جرم مورد استفاده قرار گرفته است؛ در این حالت، با تحقق عناصر قانونی جرم، مداخله کیفری توجیه‌پذیر خواهد بود (da Silva, 2017: 97).

در نتیجه، تحریم‌های بین‌المللی نباید موجب ایجاد یک «منطقه مبهم» میان حقوق قراردادی و حقوق کیفری شوند. اصل اساسی آن است که هر عدم اجرای قراردادی، جرم نیست و هر استفاده از روش جایگزین، رفتار مجرمانه محسوب نمی‌شود؛ اما قرارداد نیز نمی‌تواند پوششی برای ارتکاب جرم باشد. سیاست جنایی مطلوب در این

زمینه باید با حفظ اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل براءت و تفسیر مضیق قوانین کیفری، امکان مقابله مؤثر با رفتارهای مجرمانه اقتصادی را فراهم سازد.

۷. ارزیابی نظام حقوقی ایران و الگوی پیشنهادی برای مدیریت اجرای قراردادهای خصوصی در شرایط تحریمی

بررسی قواعد حاکم بر قراردادهای خصوصی، مسئولیت قراردادی، قوه قاهره، جرایم اقتصادی و پولشویی نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران برای مواجهه با آثار تحریم‌های بین‌المللی، فاقد یک چارچوب قانونی واحد و اختصاصی است. قواعد موجود، هر یک بخشی از مسئله را پوشش می‌دهند: حقوق قراردادهای به امکان یا عدم امکان اجرای تعهد و مسئولیت ناشی از عدم اجرا می‌پردازد؛ حقوق کیفری رفتارهای واجد وصف مجرمانه را بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات بررسی می‌کند؛ و مقررات مبارزه با پولشویی نیز بر منشأ و گردش عواید مجرمانه تمرکز دارد. با این حال، میان این حوزه‌ها سازوکار منسجم و روشنی برای تعیین آثار حقوقی قراردادهایی که مستقیماً یا غیرمستقیم تحت تأثیر تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند، وجود ندارد. این وضعیت می‌تواند موجب افزایش اختلافات، تفسیرهای متفاوت و کاهش پیش‌بینی‌پذیری روابط قراردادی شود (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۷ و ۲۲۹؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲؛ قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

۷-۱. محدودیت‌های قواعد عمومی قراردادها در مواجهه با تحریم

اصل آزادی قراردادها و اعتبار قراردادهای خصوصی در حقوق ایران، مبنای اصلی تنظیم روابط اقتصادی اشخاص است. به موجب ماده ۱۰ قانون مدنی، قراردادهای خصوصی تا زمانی که مخالف صریح قانون نباشند، معتبرند و ماده ۲۱۹ نیز اصل لزوم قراردادها را تثبیت می‌کند. بر این اساس، قرارداد پس از انعقاد، برای طرفین لازم‌الاتباع است و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند صرفاً به استناد تغییر شرایط اقتصادی از اجرای تعهدات خود خودداری کند. با این حال، همین قواعد عمومی در شرایط تحریمی با وضعیت‌هایی مواجه می‌شوند که در زمان انعقاد قرارداد ممکن است برای طرفین قابل پیش‌بینی نبوده



یا اجرای تعهد را با موانع حقوقی و عملی جدید مواجه کرده باشند (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰ و ۲۱۹). مشکل اساسی آن است که قواعد عمومی قانون مدنی، به طور خاص برای وضعیت‌های پیچیده‌ای که در آن یک اقدام اقتصادی خارجی، بدون آنکه مستقیماً قرارداد خصوصی را باطل کند، امکان اجرای آن را از نظر مالی، بانکی یا عملی مختل می‌سازد، طراحی نشده‌اند. از این رو، تشخیص اینکه تحریم در هر مورد موجب تعذر اجرای تعهد، دشواری اجرای آن یا صرفاً افزایش هزینه‌ها شده است، بر عهده تفسیر قضایی و تحلیل اوضاع و احوال قرارداد قرار می‌گیرد. این امر اگرچه انعطاف لازم را برای مواجهه با وضعیت‌های متنوع فراهم می‌کند، اما هم‌زمان می‌تواند به کاهش قطعیت حقوقی منجر شود؛ زیرا نتیجه دعوا به تشخیص دادگاه درباره میزان تأثیر تحریم بر تعهد و امکان استفاده از راهکارهای جایگزین وابسته خواهد بود (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹؛ ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

۲-۷. ضرورت شناسایی و توزیع قراردادی ریسک تحریم

یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش اختلافات، انتقال بخشی از ریسک تحریم از مرحله پس از وقوع حادثه به مرحله تنظیم قرارداد است. طرفین می‌توانند در زمان انعقاد قرارداد، آثار احتمالی تحریم را از طریق شروط قراردادی مشخص کنند. چنین شروطی می‌تواند درباره تعلیق موقت تعهد، تمدید مهلت اجرا، الزام به مذاکره مجدد، استفاده از روش‌های جایگزین پرداخت یا امکان خاتمه قرارداد در صورت استمرار مانع تعیین تکلیف کند. اعتبار این شروط، در حدود اصل آزادی قراردادها و مشروط بر عدم مخالفت با قوانین آمره، قابل تحلیل است (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰ و ۲۱۹).

اهمیت این موضوع در قراردادهای بین‌المللی و قراردادهایی که یکی از طرفین در معرض تحریم قرار دارد، بیشتر است. اگر طرفین از ابتدا مشخص کنند که کدام نوع تحریم و با چه درجه‌ای از تأثیر، موجب تعلیق یا خاتمه تعهد خواهد شد، امکان اختلاف درباره قابلیت پیش‌بینی حادثه و توزیع ریسک کاهش می‌یابد. در مقابل، استفاده از عبارات کلی مانند «تحریم‌های اقتصادی» بدون تعیین دامنه و آثار آن، ممکن است در زمان اختلاف، زمینه تفسیرهای متفاوت را فراهم کند. بنابراین، شرط تحریمی باید تا حد

امکان نوع محدودیت، دامنه شمول، ارتباط آن با تعهد، تکلیف طرف متأثر از تحریم و آثار استمرار مانع را مشخص کند (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

از منظر حقوقی، چنین شروطی می‌توانند نقش مهمی در تعیین رابطه میان اصل لزوم قرارداد و حوادث خارجی ایفا کنند. در واقع، طرفین با درج شرط تحریم، از پیش درباره بخشی از ریسک‌های آینده توافق می‌کنند و بدین ترتیب، اختلاف درباره اینکه کدام طرف باید آثار اقتصادی حادثه را تحمل کند، کاهش می‌یابد. در این وضعیت، دادگاه پیش از مراجعه به قواعد عمومی قوه قاهره باید مفاد قرارداد و نحوه توزیع ریسک مورد توافق طرفین را بررسی کند؛ زیرا قرارداد ممکن است دامنه مسئولیت یا معافیت را به گونه‌ای متفاوت از قواعد عمومی تنظیم کرده باشد، مشروط بر آنکه چنین توافقی با قوانین آمره تعارض نداشته باشد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰، ۲۱۹ و ۲۳۰).

۳-۷. ضرورت تفکیک تحریم مستقیم و غیرمستقیم در ارزیابی مسئولیت

یکی از کاستی‌های مهم در تحلیل حقوقی تحریم‌ها، استفاده از عنوان کلی «تحریم» بدون تفکیک انواع آن است. در حالی که از منظر مسئولیت قراردادی، تحریم مستقیم علیه طرف قرارداد، تحریم علیه بانک یا مؤسسه مالی، تحریم علیه کالا یا خدمت موضوع قرارداد و تحریم‌های ثانویه می‌توانند آثار متفاوتی داشته باشند. بنابراین، صرف وجود ارتباط اقتصادی با یک کشور یا شخص تحریم‌شده، نمی‌تواند به‌طور خودکار نتیجه واحدی در زمینه مسئولیت قراردادی ایجاد کند.

در ارزیابی مسئولیت، باید مشخص شود که تحریم دقیقاً چه مانعی ایجاد کرده است. اگر ممنوعیت مستقیماً متوجه موضوع تعهد باشد، احتمال تحقق تعذر حقوقی بیشتر است. اگر تحریم تنها بانک یا مسیر انتقال وجوه را محدود کرده باشد، باید امکان استفاده از روش‌های قانونی جایگزین بررسی شود. اگر نیز خطر ناشی از تحریم صرفاً به کاهش سود یا افزایش هزینه منجر شده باشد، موضوع بیشتر به دشواری اقتصادی اجرای قرارداد مربوط خواهد بود تا عدم امکان اجرای آن. این تفکیک، از نظر تعیین آثار حقوقی حادثه اهمیت اساسی دارد؛ زیرا هر یک از این وضعیت‌ها می‌تواند به نتیجه متفاوتی درباره مسئولیت متعهد منجر شود (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).



۴-۷. لزوم اعمال معیار «امکان اجرای جایگزین

یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی آثار تحریم، بررسی امکان اجرای تعهد از طریق راهکارهای جایگزین است. اگر مسیر قراردادی اولیه مسدود شده باشد، اما اجرای اصل تعهد از طریق روشی دیگر، قانونی و معقول امکان‌پذیر باشد، دشوار است که صرف انسداد روش نخست، عدم امکان اجرای کل تعهد تلقی شود. بنابراین، متعهد باید در حدود متعارف، امکان استفاده از روش‌های جایگزین را بررسی کند؛ مگر آنکه قرارداد، اجرای تعهد را به روش خاصی وابسته کرده باشد یا استفاده از روش جایگزین عملاً ماهیت تعهد را تغییر دهد (ابراهیمی و اوپارحسین، ۱۳۹۱).

این معیار از آن جهت اهمیت دارد که مانع توسعه بی‌ضابطه مفهوم قوه قاهره می‌شود. در غیر این صورت، هرگاه یکی از مسیرهای بانکی، تجاری یا حمل‌ونقل مسدود شود، متعهد می‌تواند بدون بررسی راهکارهای دیگر، به تحریم استناد کند. در مقابل، الزام متعهد به استفاده از هر راهکار ممکن نیز با منطق حقوقی قوه قاهره سازگار نیست؛ زیرا نمی‌توان شخص را به انجام اقداماتی الزام کرد که غیرقانونی، غیرمتعارف یا همراه با هزینه‌های نامتناسب است. بنابراین، معیار صحیح باید «راهکار جایگزین قانونی و معقول» باشد، نه هر راهکاری که از نظر نظری امکان‌پذیر باشد. (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۲۲۷ و ۲۲۹).

۵-۷. ضرورت تقویت رویکرد غیرکیفری نسبت به اختلافات قراردادی

در کنار اصلاح و تکمیل قواعد قراردادی، یکی از ضرورت‌های سیاست جنایی در این حوزه، جلوگیری از گسترش غیرضروری مداخله کیفری در اختلافات قراردادی است. تحریم‌ها می‌توانند شرایط اقتصادی اجرای قرارداد را به شدت دشوار کنند و در نتیجه، اختلاف میان طرفین افزایش یابد. با این حال، اختلاف درباره امکان اجرا، میزان خسارت، تأخیر در پرداخت یا تغییر هزینه‌ها، در وهله نخست باید در چارچوب حقوق قراردادها بررسی شود؛ مگر آنکه رفتار مستقلاً با عناصر قانونی جرم تحقق یافته باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۳۶ و ۳۷؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲). این رویکرد با اصل حداقلی بودن حقوق کیفری سازگار است. حقوق کیفری باید برای

مقابله با رفتارهایی به کار رود که به‌طور مشخص و قانونی جرم‌انگاری شده‌اند، نه برای جبران هر نوع شکست اقتصادی یا اختلاف تجاری. در نتیجه، سیاست جنایی کارآمد باید میان «ریسک قراردادی»، «تخلف مدنی» و «رفتار مجرمانه» تفکیک کند. عدم توجه به این تفکیک می‌تواند باعث شود فعالان اقتصادی در شرایط تحریمی، حتی در صورت تلاش برای حفظ فعالیت قانونی خود، با خطر کیفری نامتناسب مواجه شوند.

۶-۷. الگوی پیشنهادی برای تحلیل حقوقی قراردادهای متأثر از تحریم

بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان برای تحلیل حقوقی قراردادهای خصوصی متأثر از تحریم، الگویی مرحله‌ای پیشنهاد کرد. در مرحله نخست، باید ماهیت و دامنه تحریم شناسایی شود و مشخص گردد که محدودیت ایجادشده مستقیماً متوجه طرف قرارداد، موضوع تعهد، ابزار پرداخت یا شخص ثالث است. در مرحله دوم، باید زمان وضع تحریم با زمان انعقاد قرارداد مقایسه شود تا قابلیت پیش‌بینی حادثه ارزیابی گردد. در مرحله سوم، امکان اجرای تعهد از طریق روش‌های قانونی و معقول جایگزین بررسی شود. در مرحله چهارم، مفاد قرارداد و شروط مربوط به فورس‌ماژور، تحریم و توزیع ریسک مورد توجه قرار گیرد. در مرحله پنجم، باید آثار حادثه بر تعهد مشخص شود و میان عدم امکان، تأخیر و دشواری اقتصادی تفکیک صورت گیرد (Early, 2015: 85).

در مرحله نهایی، باید بررسی شود که آیا رفتار شخص صرفاً در قلمرو مسئولیت قراردادی باقی می‌ماند یا عناصر یک جرم نیز تحقق یافته است. در این مرحله، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل براءت و ضرورت احراز عناصر قانونی، مادی و روانی جرم باید رعایت شود. بنابراین، وجود تحریم نه دلیل کافی برای معافیت از مسئولیت قراردادی است و نه دلیل کافی برای انتساب مسئولیت کیفری. آثار حقوقی حادثه باید بر اساس ماهیت واقعی رفتار، میزان تأثیر تحریم و قواعد قانونی حاکم تعیین شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۳۶ و ۳۷؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲؛ قانون مدنی، ۱۳۰۷).

بر این اساس، الگوی پیشنهادی مقاله را می‌توان بر سه سطح استوار کرد: سطح نخست، تحلیل قراردادی و تعیین تعهد و ریسک پذیرفته‌شده؛ سطح دوم، تحلیل آثار تحریم بر



امکان یا دشواری اجرای تعهد؛ و سطح سوم، بررسی وجود یا فقدان عناصر مسئولیت کیفری. این الگو می‌تواند از یک سو از تفسیر موسع و خودکار تحریم به عنوان قوه قاهره جلوگیری کند و از سوی دیگر، مانع آن شود که هرگونه استفاده از سازوکارهای جایگزین در محیط تحریمی، بدون احراز عناصر جرم، رفتار مجرمانه تلقی شود. در نهایت، می‌توان گفت چالش اصلی نظام حقوقی ایران در این حوزه، فقدان قواعد عمومی نیست، بلکه نبود چارچوب منسجم برای اتصال قواعد حقوق قراردادها، مسئولیت مدنی و سیاست جنایی در مواجهه با آثار تحریم‌های بین‌المللی است. راهکار مطلوب، ایجاد یک نظام تفسیری و تقنینی است که از یک سو اصل ثبات و الزام‌آوری قراردادها را حفظ کند و از سوی دیگر، آثار واقعی حوادث خارجی و محدودیت‌های تحمیلی بر اجرای تعهد را به رسمیت بشناسد. در چنین الگویی، تحریم تنها زمانی می‌تواند موجب تغییر در آثار مسئولیت قراردادی شود که رابطه مستقیم آن با عدم اجرا، غیرقابل پیش‌بینی بودن یا عدم انتساب آن، فقدان راهکار جایگزین معقول و سایر شرایط قانونی احراز شود؛ و تنها زمانی می‌تواند زمینه مداخله کیفری را فراهم کند که رفتار ارتكابی، مستقل از صرف نقض قرارداد، با عنوان مجرمانه قانونی و عناصر آن منطبق باشد (قانون مدنی، ۱۳۰۷، مواد ۱۰، ۲۱۹، ۲۲۷ و ۲۲۹؛ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲؛ قانون مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی).

نتیجه‌گیری

تحریم‌های بین‌المللی، در مقام یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر روابط اقتصادی و تجاری معاصر، آثار خود را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر قراردادهای خصوصی تحمیل می‌کنند. این آثار گاه در قالب ممنوعیت حقوقی اجرای تعهد، گاه به شکل اختلال در مسیرهای بانکی و تجاری، گاه در قالب افزایش شدید هزینه‌های اجرا و در مواردی نیز از طریق برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد ظاهر می‌شوند. از این رو، نمی‌توان صرف وجود تحریم را به عنوان یک وضعیت حقوقی واحد تلقی کرد؛ بلکه آثار آن باید با توجه به نوع تحریم، زمان ایجاد آن، میزان تأثیرگذاری بر تعهد مشخص، امکان استفاده از روش‌های جایگزین و مفاد قرارداد ارزیابی شود. تحلیل حقوقی انجام‌شده نشان داد که در نظام حقوقی ایران، تحریم به صورت خودکار موجب سقوط تعهد یا معافیت متعهد از

مسئولیت قراردادی نمی‌شود. مبنای اصلی ارزیابی این موضوع را باید در قواعد عمومی قراردادهای و به‌ویژه مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی جست‌وجو کرد. بر اساس این قواعد، متعهد تنها زمانی می‌تواند از مسئولیت ناشی از عدم اجرای تعهد رهایی یابد که ثابت شود عدم اجرا ناشی از علتی خارجی و خارج از اقتدار او بوده و امکان دفع آن وجود نداشته است. بنابراین، تحریم تنها در صورتی می‌تواند آثار قوه قاهره را ایجاد کند که میان حادثه تحریمی و عدم اجرای تعهد رابطه مستقیم و مؤثر وجود داشته باشد و اجرای تعهد نیز به‌طور واقعی و نه صرفاً اقتصادی دشوار شده باشد از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان داد که میان قوه قاهره و دشواری اجرای قرارداد باید تفکیک شود. اگر تحریم اجرای تعهد را به‌طور کامل غیرممکن کند، بررسی آثار قوه قاهره و تعذر اجرا مطرح می‌شود؛ اما اگر اجرای تعهد همچنان ممکن باشد و تنها هزینه‌ها به‌طور شدید افزایش یابد یا تعادل اقتصادی قرارداد برهم بخورد، وضعیت ایجادشده الزاماً به معنای قوه قاهره نیست و باید در چارچوب هاردشیپ، شروط قراردادی و اصول حاکم بر تغییر اوضاع و احوال بررسی شود. این تفکیک برای جلوگیری از گسترش بی‌ضابطه معافیت از مسئولیت قراردادی اهمیت اساسی دارد؛ زیرا پذیرش هرگونه افزایش هزینه به‌عنوان عدم امکان اجرا، اصل لزوم قراردادهای و امنیت معاملات را تضعیف خواهد کرد. همچنین، در قراردادهای متأثر از تحریم، امکان اجرای تعهد از طریق روش‌های جایگزین یکی از معیارهای مهم تعیین مسئولیت است. اگر روش اولیه اجرای تعهد مسدود شده باشد، اما امکان استفاده از روش دیگری که قانونی، معقول و متناسب با موضوع قرارداد است وجود داشته باشد، صرف از بین رفتن روش نخست نمی‌تواند به‌طور خودکار موجب تحقق قوه قاهره شود. در مقابل، نمی‌توان متعهد را به استفاده از هر روش فرضی یا غیرمعارفی ملزم کرد. بنابراین، معیار مناسب، بررسی امکان استفاده از راهکار جایگزین قانونی و معقول است؛ معیاری که می‌تواند میان اصل الزام‌آوری قرارداد و ضرورت توجه به موانع واقعی اجرای آن تعادل ایجاد کند. یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، ضرورت تفکیک مسئولیت قراردادی از مسئولیت کیفری است. تحریم ممکن است موجب عدم اجرای قرارداد شود، اما این امر به‌خودی‌خود جرم نیست. اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت و ضرورت



احراز عناصر قانونی، مادی و روانی جرم ایجاب می‌کند که صرف عدم پرداخت، تأخیر در اجرا یا ناتوانی اقتصادی ناشی از تحریم، بدون وجود رفتار مجرمانه مستقل، موجب مداخله کیفری نشود در مقابل، استفاده از قرارداد برای ارتکاب رفتارهایی مانند فریب، جعل، پنهان‌سازی منشأ مجرمانه اموال یا انتقال عواید حاصل از جرم، موضوعی متفاوت است. در چنین مواردی، قرارداد نمی‌تواند پوششی برای مصونیت از مسئولیت کیفری ایجاد کند. معیار تعیین‌کننده، نه عنوان قراردادی عمل، بلکه واقعیت اقتصادی رفتار و تحقق عناصر جرم است. از این‌رو، استفاده از واسطه، ساختار چندلایه معامله یا روش‌های جایگزین پرداخت، مادامی که در چارچوب قانونی انجام شود، به‌خودی‌خود جرم نیست؛ اما اگر همین ابزارها برای پنهان کردن منشأ مجرمانه اموال یا فریب مراجع قانونی به کار گرفته شوند، در صورت تحقق شرایط قانونی، امکان مداخله کیفری وجود خواهد داشت

از منظر سیاست جنایی، مهم‌ترین چالش نظام حقوقی ایران، فقدان یک رویکرد منسجم و هماهنگ میان حقوق قراردادهای، مسئولیت مدنی و حقوق کیفری است. در شرایط تحریمی، فعال اقتصادی ممکن است هم‌زمان با الزامات قراردادی، محدودیت‌های بانکی، مقررات ارزی، قواعد گمرکی و مقررات کیفری مواجه باشد. فقدان معیارهای روشن برای تفکیک «ریسک قراردادی»، «نقض مدنی» و «رفتار مجرمانه» می‌تواند به افزایش ناامنی حقوقی و گسترش تفسیرهای متفاوت منجر شود. بنابراین، سیاست جنایی باید از یک‌سو با رفتارهای مجرمانه اقتصادی مقابله کند و از سوی دیگر، از کیفری‌سازی اختلافات قراردادی و ناتوانی‌های واقعی ناشی از حوادث خارجی جلوگیری نماید. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی مناسب برای تحلیل قراردادهای خصوصی متأثر از تحریم باید در سه مرحله انجام شود. در مرحله نخست، باید نوع تحریم، زمان وقوع آن و تعهد متأثر از تحریم شناسایی شود. در مرحله دوم، باید امکان واقعی اجرای تعهد، وجود راهکارهای جایگزین و میزان تأثیر حادثه بر تعادل اقتصادی قرارداد ارزیابی گردد. در مرحله سوم، باید مشخص شود که رفتار شخص در قلمرو مسئولیت قراردادی باقی می‌ماند یا با تحقق عناصر قانونی جرم، وارد قلمرو مسئولیت کیفری می‌شود. این الگو

می‌تواند از یک‌سو از پذیرش خودکار تحریم به‌عنوان قوه قاهره و از سوی دیگر از توسعه ناموجه مسئولیت کیفری جلوگیری کند

در نهایت، پاسخ به پرسش اصلی پژوهش آن است که تحریم‌های بین‌المللی تنها در صورتی می‌توانند موجب تغییر آثار عادی قراردادهای خصوصی شوند که اثر مستقیم، واقعی و قابل اثباتی بر امکان اجرای تعهد داشته باشند و شرایط قانونی مربوط به قوه قاهره یا تعذر اجرا احراز شود؛ در غیر این صورت، صرف افزایش هزینه یا دشواری اقتصادی اجرای قرارداد، به‌تنهایی موجب معافیت از مسئولیت قراردادی نخواهد بود. همچنین، صرف نقض قرارداد یا استفاده از روش‌های جایگزین اجرای تعهد، واجد وصف کیفری نیست، مگر آنکه رفتار ارتكابی مستقل از رابطه قراردادی، با عنوان مجرمانه قانونی و عناصر آن منطبق باشد

بنابراین، نوآوری اصلی پژوهش حاضر در ارائه رویکردی تفکیکی به آثار تحریم بر قراردادهای خصوصی است؛ رویکردی که به‌جای برخورد یکسان با همه وضعیت‌های تحریمی، میان عدم امکان حقوقی اجرا، عدم امکان عملی اجرا، دشواری اقتصادی اجرا، نقض قراردادی و رفتار مجرمانه تمایز قائل می‌شود. بر اساس این رویکرد، تحریم نه به‌طور مطلق موجب معافیت از مسئولیت است و نه به‌طور مطلق مبنای مسئولیت؛ بلکه اثر حقوقی آن باید بر اساس میزان تأثیر واقعی بر تعهد، امکان پیش‌بینی، امکان دفع، وجود راهکار جایگزین و ماهیت رفتار شخص تعیین شود

منابع

- ابراهیمی، سید نصرالله، و اویارحسین، شادی. (۱۳۹۱). آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور. دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، (۲)۱
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). قواعد عمومی قراردادها. شرکت سهامی انتشار.
- د) قوانین و مقررات
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷.

- قانون مبارزه با پول‌شویی، مصوب ۱۳۸۶، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- دادنامه شماره ۱۲۲۴/۲۲۳۲۰۹۹۷۰۹۳۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۳.
- da Silva, M. A. (2017). Economic sanctions and contractual disputes between private operators. In L. van den Herik (Ed.), *Research handbook on UN sanctions and international law* (pp. 330–376). Edward Elgar Publishing. ([AustLII](#))
- Shoarian, E., & Rahimi, F. (2014). Sanctions and their effects on contractual obligations: From the perspective of international instruments and Iranian law. *Nordic Journal of Commercial Law*, (1). <https://doi.org/10.5278/ojs.njcl.v0i1.2889> (*Journals AAU*)
- Hufbauer, G. C., Schott, J. J., Elliott, K. A., & Oegg, B. (2007). *Economic sanctions reconsidered* (3rd ed.). Peterson Institute for International Economics.
- Farrall, J. M. (2007). *United Nations sanctions and the rule of law*. Cambridge University Press.
- Portela, C. (2019). *European Union sanctions and foreign policy: When and why do they work?* Routledge.
- Drezner, D. W. (2011). *Sanctions paradox: Economic statecraft and international relations*. Cambridge University Press.
- Tzanakopoulos, A. (2011). *Disobeying the Security Council: Countermeasures against wrongful sanctions*. Oxford University Press.
- Nephew, R. (2018). *The art of sanctions: A view from the field*. Columbia University Press.
- Biersteker, T. J., Eckert, S. E., & Tourinho, M. (Eds.). (2016). *Targeted sanctions: The impacts and effectiveness of United Nations action*. Cambridge University Press.
- Gordon, J. (2011). Smart sanctions revisited. *Ethics & International Affairs*, 25(3), 315–335.
- Cameron, I. (2003). *UN targeted sanctions, legal safeguards and the European Convention on Human Rights*. Cambridge University Press.
- Cortright, D., & Lopez, G. A. (Eds.). (2002). *Smart sanctions: Targeting economic statecraft*. Rowman & Littlefield.
- Cortright, D., & Lopez, G. A. (2000). *The sanctions decade: Assessing UN strategies in the 1990s*. Lynne Rienner Publishers.
- van Bergeijk, P. A. G. (1994). *Economic diplomacy, trade and commercial policy: Positive and negative sanctions in a new world order*. Edward Elgar Publishing.
- Pape, R. A. (1997). Why economic sanctions do not work. *International Security*, 22(2), 90–136.
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. (2007). The political economy of economic sanctions. In S. N. Durlauf & L. E. Blume (Eds.), *The new Palgrave dictionary of economics*. Palgrave Macmillan.

- Allen, S. H. (2008). The domestic political consequences of economic sanctions. *Journal of Conflict Resolution*, 52(6), 916–944.
- Peksen, D. (2009). Better or worse? The effect of economic sanctions on human rights. *Journal of Peace Research*, 46(1), 59–77.
- Early, B. R. (2015). *Busted sanctions: Explaining why economic sanctions fail*. Stanford University Press.
- Shoarian, E., & Rahimi, F. (2014). Sanctions and their effects on contractual obligations: From the perspective of international instruments and Iranian law. *Nordic Journal of Commercial Law*, (1), 1–21.